

(بسم الله الرحمن الرحيم)

قل اوحى الى انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا (١) يهدى الى الرشده فآمنا به ولن نشرك بربنا احدا (٢) وانه تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبه ولا ولدا (٣) وانه كان يقول سفيهننا على الله شططا (٤) وانا ظننا ان لن نقول الانس والجن على الله كذبا (٥) وانه كان رجال من الانس يعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقا (٦) وانهم ظنوا كما ظننتم ان لن يبعث الله احدا (٧) وانا لمسنا السماء فوجدناها ملئت حرسا شديدا وشهبا (٨) وانا كنا نقعد منها مقاعد للسمع فمن يستمع الآن يجد له شهابا رصدا (٩) وانا لا ندرى اشر اريد بمن فى الارض ام اراد بهم ربهم رشدا (١٠) وانا منا الصالحون ومنا دون ذلك كنا طرائق قددا (١١) وانا ظننا ان لن نعجز الله فى الارض ولن نعجزه هربا (١٢) وانا لما سمعنا الهدى آمنا به فمن يومن بربه فلا يخاف بخسا ولا رهقا (١٣) وانا منا المسلمون ومنا القاسطون فمن اسلم فاولئك تحروا رشدا (١٤) واما القاسطون فكانوا لجهنم حطبا (١٥) والو استقاموا على الطريقة لاسقيناهم ماء غدقا (١٦) لنفتنهم فيه ومن يعرض عن ذكر ربه يسلكه عذابا صعدا (١٧) وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (١٨) وانه لما قام عبد الله يدعوه كادوا يكونون عليه لبدا (١٩) قل انما ادعو ربى ولا اشرك به احدا (٢٠) قل انى لا املك لكم ضرا ولا رشدا (٢١) قل انى لن يجيرنى من الله احد ولن اجد من دونه ملتحدا (٢٢) الا بلاغا من الله ورسالاته ومن يعص الله ورسوله فان له نار جهنم خالدين فيها ابدا (٢٣) حتى اذا راوا ما يوعدون فسيعلمون من اضعف ناصرا واكل عددا (٢٤) قل ان ادرى اقريب ما توعدون ام يجعل له ربهى امدا (٢٥) عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا (٢٦) الا من ارتضى من رسول فانه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصدا (٢٧) ليعلم ان قد ابلاغوا رسالات ربهم واحاط بما لديهم واحصى كل شىء عددا (٢٨)

جن - مكان جنیان / از آنجایی که نوع خلقت جنیان با انسانها و حیوانات متفاوت است، واضح است که مکان زندگی آنها نیز متناسب با نوع خلقت آنها باشد، ولی آن مکانها کجاست. در بین عوام شایع است که زیرزمینها، جاهای تاریک و مرطوب مانند حمامها، چاهها و عمق جنگلها جایگاه جنیان است. اما بررسی ها حاکی از آن است که قطعا آنها در جایی زندگی می کنند که از انسانها به دور باشند. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که: «در وادی شقره (بیابانی که رنگ

خاکش سرخ مایل به زرد است) نماز نخوان، زیرا در آن جا منازل جن است.» (وسائل الشیعه، ص ۴۵۲) قابل ذکر است یکی از معروفترین مساجد مکه با نام «مسجد الجن» در غرب شهر مکه محل نزول جنیان در مکه است و مستحب است حاجیان در آن مسجد رفته و دو رکعت نماز به جا آورند.

تولید مثل جنیان / آنچه مسلم است این است که بنابر ذات وجودی جنیان آنها نیز مانند انسان دارای غریزه جنسی بوده و توالد و تناسل دارند و لازمه ادامه و بقای نسلشان آمیزش جنس مونث و مذکر است، اما این سوال که آیا آنها هم مانند انسانها و یا سایر جانداران با عمل لقاح و تشکیل نطفه تولد می‌یابند، چیزی نیست که از کلام خداوند بتوان استنباط کرد ولی ابن عربی در فتوحات گفته است: «تناسل بشر به القای آب نطفه در رحم است و تناسل جن به القای هوا در رحم اثنی (جنس ماده) می‌باشد.» (جن و شیطان ص ۵۷)

روایتی است از بخشی از وصیت حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع) که فرمود: «ای علی، در شب اول، وسط و آخر ماه آمیزش مکن و... همانا جنیان در این سه شب به پیش زنان خویش (برای مقاربت) می‌روند.» (وسائل الشیعه، ص ۹۱) و در آیه ای برای وصف حوریان بهشتی آمده است: «حوریان بهشتی را قبل از شوهرانشان، نه آدمی و نه جن دست زده است.» (سوره الرحمن، آیه ۵۶ و ۷۴)

خواب جنیان / «الله خدایی است که هیچ خدایی جز او نیست. زنده و پاینده است. نه خواب سبک او را در برمی‌گیرد و نه خواب سنگین.» (سوره بقره، آیه ۲۵۵) و از حضرت صادق (ع) روایت است که می‌فرمایند: «به غیر از خداوند متعال همه خواب دارند، حتی فرشتگان.» (میزان الحکمه، ص ۲۵) و حدیثی است از رسول خدا (ص) که می‌فرمایند: «خواب به چهار گونه است، پیامبران به پشت می‌خوابند، مومنین به دست راست، کافرین و منافقین به دست چپ و شیاطین به رو می‌خوابند.» (شیخ حر عاملی، ص ۱۰۶۷) آنچه از این مطالب می‌توان دریافت این است که به غیر از ذات اقدس الهی همه موجودات دارای خواب هستند.

مرگ جنیان / جنیان نیز مانند هر جانداري همان طور که دارای حیات هستند مرگ هم شامل حالشان می‌شود. چنان که در قرآن کریم آمده: «و بر آنها (خطا کاران) نیز همانند پیشینیانشان از جن و انس عذاب مقرر شد.» (سوره فصلت، آیه ۲۵) «به میان امتهایی که پیش از شما بوده اند، از جن و انس در آتش داخل شوید.» (سوره اعراف، آیه ۳۸) از این آیات چنین برمی‌آید که نه تنها آنها هم مانند انسان مرگ دارند، بلکه مانند انسان از عقوبت خدا بر حذر نیستند.

تکالیف جنیان در مقابل ذات پروردگار / همان طور که در مباحث قبل گفتیم، انسان فرشته و جن سه موجودی هستند که بنابر مصلحت خداوند خلق شده اند و هدف از آفرینش آنها نیز عبادت پروردگار است. چنان که در قرآن کریم آمده است: «جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده ام». (سوره ذاریات، آیه ۵۶) ناصر خسرو نیز این طور می‌سراید:

داخل اندر دعوت او جن و انس تا قیامت امتش هر نوع و جنس جن نیز مانند انسان مختار است و حق انتخاب دارد و مانند ما در اجرای قوانین دینی مکلف است، چگونگی عبادت و اجرای احکام در میان آنها، مشخص نیست ولی آنچه مسلم است، این است که پیامبرانی که برای هدایت مخلوق برگزیده شده اند، جنیان را نیز هدایت‌کنند. چنان که علامه طباطبایی (ره) فرمودند: «اتفاقاً در این باره از خود جنیان هم سوال شده که آیا پیغمبر شما از جنس خود شماست؟ در پاسخ گفته اند: «پیامبران ما انسانند و اینک ما به رسالت حضرت ختمی مرتب ایمان آورده ایم و او را آخرین پیامبر می‌دانیم». (جن و شیطان) از بسیاری از آیات، روایات و احادیث نیز این طور استنباط می‌شود که بعضی از جنیان کافر و بعضی مسلمانند و حتی قبل از ظهور اسلام برخی از آنها یهودی بوده اند که بعد از اسلام به پیشگاه حضرت محمد(ص) آمده و مسلمان شده اند، و برای آنها عقوبتی همانند عقوبت انسانها در نظر گرفته می‌شود. در قرآن آمده است: «بعضی از ما مسلمانند و بعضی از حق دور و آنان که اسلام آورده اند در جست و جوی راه راست بوده اند، اما آنان که از حق دورند هیزم جهنم خواهند بود و اگر بر طریق راست پایداری کنند، از آبی فراوان سیرابشان کنیم». (سوره جن، آیه ۱۴، ۱۵ و ۱۶) از آیه این چنین برمی‌آید که جنها همانند انسان به گونه های مختلفند، بعضی کافر و بعضی فاسق و ظالم البته برخی نیز نیکوکار و صالح بوده و دارای عقاید مختلف و ادیان مختلف هستند. در سوره احقاف آمده است که:

«حضرت رسول (ص) پس از آن که از مکه به طایف رفت تا مردم را به سوی اسلام دعوت کند، کسی به دعوت او پاسخ مثبت نداد، در بازگشت به محلی رسید که آن را «وادی جن» می‌گفتند، شب را در آنجا ماند و به تلاوت آیات الهی مشغول شد، در آن هنگام گروهی از جنیان صدای صوت آن حضرت را شنیدند، پس از آن که رسول اکرم (ص) از تلاوت فراغت یافت، جنیان به سوی قوم برگشتند و این طور مشاهدات خود را بازگو کردند: «ای قوم، کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده و تصدیق کننده مطالب آن است و به حق و راستی هدایت می‌کند». (سوره احقاف، آیه ۲۹ و ۳۰) و روایت است که حتی برخی از جنیان از گروه شیعیان می‌باشند از آن جمله روایتی است که از ابو حمزه ثمالی نقل شده: «روزی جهت شرفیابی به حضور امام باقر (ع) اجازه خواستم، گفتند که عده ای خدمت آن حضرت هستند، لذا اندکی صبر کردم تا آنها خارج شوند. پس کسانی خارج شدند که آنها را نمی‌شناختم و غریب به نظرم آمدند. چون

اجازه شرفیابی گرفتیم، داخل شدم و به حضرت عرض کردم، فدایت شوم، الان زمان حکومت بنی امیه است و شمشیرهای آنها خونریز می‌باشد. امام فرمود: ای اباحمزه! اینان گروهی از شیعیان، از طایفه «جن» بودند و آمده بودند تا از مسائل دینی خود سؤال کنند». (جن و شیطان، ص ۶۵)

آیا فرشتگان و شیاطین از تبار جنیانند؟ / همان طور که گفته شد بنا بر قرآن کریم سه موجود انسان، فرشته و جن دارای عقل و شعورند و بنا بر مصلحت خداوند در صحنه گیتی ظاهر شدند و نامی از شیطان به طور مستقل به میان آورده نشده است. بنابراین شیطان یا باید از جنس فرشته باشد و یا از / جنس جن. بهتر است باز از قرآن کریم مدد بگیریم: «آن گاه که به فرشتگان گفتیم تا آدم را سجده کنید، همه جز ابلیس که از جن بود و از فرمان پرودگارش سر برتافت سجده کردند». (سوره کهف، آیه ۵۰) همچنین خداوند در قرآن کریم فرشتگان را معصوم و مبرا از خطا و گناه دانسته: «فرشتگان هرگز نافرمانی خدا را نمی‌کنند و همان کاری را می‌کنند که به آن مامور شده‌اند». (سوره تحریم، آیه ۶) و بنا به روایتی از رسول خدا(ص): «فرشتگان از نور آفریده شده‌اند». بنابراین ابلیس که بزرگترین خطا را در درگاه خداوند مرتکب شده هرگز نمی‌تواند از جنس فرشته باشد. (اگر چه با همه این مستندات هنوز در بین علمای اسلامی در نوع خلقت ذاتی شیطان اختلاف نظر وجود دارد).

ارواح شریر کدامند و چه تفاوتی با جن دارند؟ / مطالعات بر روی آثار بشر بدوی از قبیل نقاشی‌ها و کنده کاریهای غارها نشان می‌دهد که انسان از ابتدای آفرینش وجود موجوداتی غیر از خود را در محیط پیرامونش حس کرده است. موجوداتی که ترس، وحشت و حتی نوعی پرستش و کرنش را در آنها ایجاد می‌کرده است. پس از اختراع زبان و خط، هر قوم و قبیله‌ای نامی بر آنان گذاردند و برای ارتباط یا دفع آنان آداب را برای خود قائل شدند و این آداب نسل به نسل تداوم یافت چنان که امروز هنوز در افریقا رسومی با همان روش سنتی برای ارتباط با این موجودات و یا دفع آنان صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در آیین مسیحیت، جن‌گیری یک سابقه دیرینه دارد که اغلب کشیش‌ها اقدام به آن می‌کنند و در واقع معتقدند که شیطان در قالب جسم فردی رسوخ می‌کند. البته تقریباً به غیر از مسلمانان همگی این موجودات را ارواح شریر می‌نامند و برای دفع شر آنان اعتقادات مخصوص به خود دارند. مثلاً برخی از اروپاییان امروزی بر مبنای یک تفکر سنتی وقتی در خیابان راه می‌روند دستهای خود را تکان می‌دهند تا از ارواح شریر دور بمانند و یا در روز معینی از سال مراسمی برپا می‌کنند که در آن عده‌ای بسیار از مردم لباسی شبیه به لباس اتاق عمل می‌پوشند، بوقی در دست می‌گیرند و در آن می‌دمند. اما بنا بر اعتقادات مسلمانان تنها موجودات ماوراءالطبیعه فرشته‌ها و جن‌ها

هستند و روح انسان وقتی کاملاً از بدن انسان خارج شود، نه تنها قدرتی ندارد بلکه انسان هم نمی‌تواند هیچ‌گونه تسلطی بر آن داشته باشد، مگر به خواست خداوند.

در کتاب «ارتباط با ارواح» این طور آمده: «تسلط ارواح عقب مانده بر انسانها را در اصطلاح عامیانه «جن زدگی» می‌گویند که در واقع به همان مفهوم افسون و تسخیر است. ما استفاده از این اصطلاحات را به دو علت صلاح نمی‌دانیم؛ اول این که، جن واژه ای است مخصوص موجودات هوشمند که برطبق روایتی عامیانه معمولاً برای ایجاد شر خلق گشته اند، و همواره محکوم به بدی کردن می‌باشند حال آنکه هیچ موجودی به خاطر بدی کردن آفریده نمی‌شود، مشیت پروردگار چنان است که راه تکامل و تعالی همواره به روی تمام موجودات هوشمند باز باشد. دوم این که اصطلاح «جن زدگی» غالباً بدین معنی به کار می‌رود که جسم شخص جن زده را یک جن دیگر و یا روح متصرف شود. یعنی در واقع دو نوع سکونت در قالب یک بدن و این فقط یک نوع استثناست نه یک تصرف یا دشمنی و آزار، بدین جهت واژه جن زدگی به مفهوم عامیانه آن برای ما قابل قبول نیست».

آنچه از این متون و بسیاری از متون دیگر برمی‌آید این است که واژه «جن» در فرهنگ های دیگر نیز وجود دارد ولی عموماً آن را شیطان و یا ارواح شریر می‌نامند. در حالی که ما مسلمانان معتقدیم که در میان جنیان، جن صالح و نیکوکار نیز وجود دارد.

اسماعیل حسین زاده سرابی در کتاب «سیمای جن» این طور می‌نویسد: «سالها پیش در مشهد مسئله احضار روح غوغایی عجیب به راه انداخته بود تا این که دو نفر از علمای معتبر مشهد خواستار شرکت در آن مجلس شدند و پس از حضور، از نزدیک جریان حرکت میز را مشاهده کردند. در جلسه دیگر یکی از آن دو درخواست کرد که میز (مقصود میز مخصوص احضار روح است که روی آن همه حرفها نوشته شده و جنها توسط اشاره ای میز را تکان می‌دهند تا روی حرف مورد نظر بایستد) را بگردانند، این عالم چون دارای علوم و معنویت خاصی بود و راه مکالمه صحیح با موجودات نامرئی را بلد بود، گرداننده میز را به اسمایی که حضرت سلیمان (ع) می‌دانست و با آن اسما جنیان را مسخر کرده بود، قسم داده و پرسیده بود: شما روح انسان هستید یا موجودی دیگر؟ و شروع به خواندن حروف الفبا کرده در نهایت این جمله ها حاصل شد: من جن هستم». زمردیان نیز در کتاب «شیطان کیست» می‌گوید: «مدتهاست (ارتباط گیرندگان با روح) با وسیله های گوناگون با جن تماس می‌گیرند... البته جن خود را به آنها با نام روح یکی از افراد معرفی می‌کند و آنها بر این باورند که با روح آدمی تماس گرفته اند، در حالی که اغلب تماس آنها با جن و شیطان است.»

آیا جن علم غیب دارد / قابلیت های موجود در جن که ناشی از نوع خلقتش می باشد (مانند پنهان بودن از چشم، طی مسافت کردن و غیره) این تصور را در ذهن انسانها ایجاد می کند که این موجودات از عالم غیب آگاهند. البته بسیاری از ارتباط برقرارکنندگان آگاهانه به قصد سوؤ استفاده و فریب مردم و یا ناآگاهانه به این باورها دامن زده اند، ولی حقیقت آن است که تنها خداوند است که آگاه به غیب می باشد و لاغیر، چنان چه می فرماید: «خداوند دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد، مگر بر آن پیامبری که از او شنود باشد». و البته بسیار دیده شده در جریان همین احضار روح که ما آن را احضار جن می دانیم، جنیان توانسته اند پاسخ های درست و مناسبی را ارائه دهند که آن را نباید ناشی از علم غیب آنان دانست، زیرا جنها از آنجایی که به راحتی می توانند طی طریق کنند، می توانند از ممنوعان خود که در جریان ماجرا قرار دارند پاسخ را جویان شده و به شخص رابط اطلاع دهند و یا از امکانات دیگری استفاده کنند که ما از آن بی خبریم. به هر حال علم غیب چه برای انسان و چه برای جن منتفی است مگر برای عده ای خاص که از طرف خداوند این توانایی برایشان ممکن می شود.

ترس از جن / آیا باید از جنها ترسید؟ / برای در امان ماندن از آنها چه باید کرد؟ / ظرفیتهای و عکس العملهای انسانها در ارتباط با موجودات ناشناخته بسیار متفاوت و غیرقابل پیش بینی است. بنابر اعتقاداتی که سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده همواره جن ها موجوداتی آزاردهنده و موجب شر و فساد بوده اند، هرگاه بیماری لاعلاجی پیش آمده و یا اتفاق غیرقابل توجیهی روی داده به جن و شیطان نسبت داده شده است. موارد زیادی از بیماران روان پریش دیده شده اند که بیماری خود را ناشی از دیدن این موجودات می دانند و از سوی اطرافیان جن زده لقب گرفته اند. مسلم است که وحشت، ترس و اضطراب بیش از حد، موجب بسیاری از اختلالات روحی و روانی خواهد شد. به راستی کدام انسان است که در برخورد با این موجودات بیم در دلش راه نیابد. ولی آیا می توان همه این بیماریها را منسوب به جن و شیاطین دانست؟ به طور حتم شما هم عارضه «آل زدگی» را به کرات از سالخوردهگان شنیده اید، عارضه ای که مردم در ایام قدیم و امروزه در برخی از روستاها و مناطق دورافتاده آن را باور داشته و معتقدند که این موجود جان زن زائو و طفلش را به خطر می اندازد. (چنان که چند سیخ پیاز پوست کنده را در بالای سرزائو می گذاشتند تا آل و جن از بوی بد پیاز فرار کرده و به زائو نزدیک نشوند.) در حالی که امروزه از طریق علمی ثابت شده است عامل بسیاری از بیماری ها، میکروب و موجودات میکروسکوپی بوده و وجود میکروب و نفوذ آن در بدن ضعیف زائو و طفلش موجب بیماری می شده و خاصیت میکروب زدایی پیاز عامل سلامت و محافظت بوده و نه بوی بد آن. و یا عوام بیماری بسیاری

از کسانی که به بیماری صرع گرفتارند را به جن‌ها نسبت می‌دهند. حال این‌ها تا چه حد واقعیت دارد، سوالی است که می‌توان با استناد بر این آیه آن را پاسخ گفت: «آنان که ربا می‌خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی‌خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده‌اند». (سوره جن، آیه ۲۶ و ۲۷) نابراین بسیاری از اعمال نادرست که جنبه شیطانی دارند و در واقع در اثر نفوذ شیطان در روح انسان اعمال می‌شوند موجب اختلالات روحی، روانی گشته و در واقع یک جنون شیطانی را در فرد ایجاد می‌کنند. علامه طباطبایی (ره) می‌گوید: «تشبیهی که در این آیه شده که رباخوار را به کسی تشبیه کرده که از طریق تماس با شیطان دیوانه شده، خالی از این معنا نیست که چنین چیزی (یعنی دیوانه شدن) امری است ممکن، چون هر چند آیه شریفه دلالت ندارد که همه دیوانگان در اثر «مس شیطان» دیوانه شده‌اند ولی این قدر دلالت دارد که بعضی از جنونها در اثر مس شیطان رخ می‌دهد». (سوره بقره، آیه ۲۷۵) شاید بهترین راه برای در امان ماندن از آزار جنیان بالا بردن دانش و آگاهی نسبت به آنهاست؛ چرا که جنیان نیز مانند انسان، خوب و بد دارند و از آنجایی که در میان انسانها زندگی می‌کنند و تعدادشان نیز بسیار زیادتر از انسانهاست دیدار با آن‌ها برای هیچ کس غیر ممکن نیست ولی چه بسا بسیاری از اختلالات روحی، روانی که به جسم هم آسیب جدی وارد می‌سازد، ناشی از دیدار با یک جن خوب و نیکوکار بوده و تنها ترس از دیدار با این موجود، فرد را دچار عارضه ساخته و هیچ قصد و عمدی از سوی جنیان در کار نبوده است.

ارتباط افراد پاک سیرت، با عالم برزخ و رابعاً: هر کدام از ما به نوبه خود در دوران زندگی خوابی از مرده دیده‌ایم که او کم و بیش حال خود را بیان کرده است. و چه بسا خبرهایی داده که هیچکس اطلاع نداشته است، مثلاً گفته است من فلان مبلغ به فلان کس که ساکن فلان محل است قرض دارم، قرض مرا بدهید؛ چون بدین نشانی مراجعه شده معلوم شده است که همان مقدار بدون کم و زیاد مقروض بوده و چه بسا خود شخص طلبکار نیز اطلاع نداشته و پس از مراجعه به دفتر محاسبات خود معلوم کرده است. و سپس خواب همان شخص مرده را دیده و گفته است راحت شدم، و از دهنده قرض اظهار تشکر و امتنان نموده است.

اینها ارتباطاتی است که نفس انسان با عالم مثال پیدا می‌کند، و یا در خواب و یا در هوشیاری مطالبی را از آنجا اخذ نموده و برای این عالم حس می‌آورد. چه بسا افراد روشن دل و پاک نیتی در عالم بیداری محض با عالم برزخ سر و کاری پیدا کرده، با ارواح تکلم نموده، کیفیت محاسبات عالم قبر که همان عالم برزخست را برای ما بیان کرده‌اند. و این افراد اولاً آنقدر حائز مقام عدالت و تقوی و صدق بوده‌اند که در هزار هزار احتمال، یک احتمال دروغ در آنها نمی‌رود. و

ثانیاً این افراد گرچه نسبت به قاطبهٔ مردم و عامهٔ آنها مردمی اندک‌اند ولی فی حدّ نفسه افراد کثیری بوده‌اند. و ثالثاً کیفیتِ اخبار اینها نیز از نقطهٔ نظر بیان واقع، با یکدیگر مشابه و بصور و اشکال مختلفی هر یک برای ما از آن پردهٔ غیب داستانهائی بیان کرده‌اند.

علّت حقیقی ترس و فرار مردم از مرگ / کسانیکه در دنیا زندگی می‌کنند و دل به ظاهر دنیا می‌دهند و ابداً با باطن کاری نداشته و از وجدان خود که در حقیقت مربوط با خداست نیرو نمی‌گیرند، و حواسّ خود را جمع نمی‌کنند بلکه سرسری و بدون حساب و مسؤولیت و بدون تعهد زندگی می‌نمایند، پیوسته در دل آنان محبت دنیا و آثار آن رو به فزونی می‌رود تا به جائیکه گوئی هیچ محبوی و مقصودی غیر از آن نمی‌پندارند. مردن برای این افراد بسیار سخت است. چون یک عمر زندگی کرده، و آن عمر سرمایهٔ وجودی او بوده و ساعات عمر را برای بدست آوردن امور دنیویّه از مال و جاه و اعتبار مصرف کرده و برای داخل کردن موقعیت و هستی وجودی خود در دل مردم فعالیت نموده و زحمت کشیده، برای اولاد رنج برده و متحمل مشکلات شده، سرمایه‌ای گرد آورده و بدان اعتماد کرده، در سرما و گرما ایام و ساعات عمر خود را برای بدست آوردن این امور مصرف نموده است؛ خلاصه تمام دوران عمر خود را که منطبق است بر قطعات زمان از سالها و ماهها و روزها و ساعت‌ها و دقیقه‌ها و لحظه‌ها، برای بدست آوردن این چیزها مصرف کرده است. بنابراین به هر یک از آنها قهراً محبت پیدا نموده است و هر یک از آنها مانند زنجیری دل و خواست او را به خود می‌بندد؛ حالا می‌خواهد از دنیا برود، دل خود را متصل به هزاران زنجیر می‌بیند که از هر طرف او را به این امور دوخته است. اموال او هر یک دل او را بسوی خود می‌کشند، دوستان و احباب به سمت خود می‌کشند، اولاد و زن و عشیره به سمت خود می‌کشند، آرزوهای دراز که در خیال خود پروریده و بر اثر توهم و تخیل، موجودیت تخیلی و موهومی پیدا کرده به سمت خود می‌کشند؛ و این شخص می‌خواهد برود، حرکت کند، یعنی چه؟ یعنی بار سفر آخرت بندد، وداع کند! رجوعی نیست، دیگر حتی برای یک لحظه روی این عالم را نمی‌بیند، و تمام این اندوخته‌ها و محبوب‌ها و مقصودها به خاک نسیان سپرده می‌شود. و حتی در مقابل دیدگان خود می‌بیند که عشقی که با بدن خود می‌ورزید و برای خراش پوست دستش به طبیب متوسّل می‌شد، باید تمام بدن را در خاک ببیند و طعمهٔ ماران و موران زمین کند، و محلّ و مدفن او جای آمد و شد خزندگان زیر زمین گردد. سوراخهای بدن او محلّ رفت و آمد مارها و عقربها شود، و خاک سنگین بر روی پیکر او انباشته گردد و خود در میان آن تبدیل به خاک و خاکستر شود. همهٔ اینها را در مقابل دیدگان خود مجسم می‌بیند. و از طرفی هم بر اساس وجدان و عقل حرکت نکرده، راه آخرت را روشن ننموده، با

ناموس خدا آشنائی پیدا نکرده، با علوم باطنیه و موجبات تجرد نفس پیوسته در جنگ و جدال و قهر بوده، از راه عدالت منحرف و به حقوق خود و سائر افراد مردم که در نزد مبدأ اصیل عالم، خداوند عزوجلّ محترمند تجاوز کرده، و در مقام عبودیت خدا نبوده، سر به سجده تسلیم و خاکساری در مقابل ظاهرکننده این مظاهر عجیب و این مناظر شگفت عالم نگذارده، ایثار نکرده، دستگیری از بیچارگان و درماندگان ننموده، و با اعمال صالحه جان خود را به حیات آن عالم زنده نکرده، و برای تاریکیها و عقبات و کوره راههای طبعی چراغی نیفروخته است. با این حال و کیفیت می خواهد از دنیا برود! با این مشکلاتی که از هر سو بدو روی آورده و او را احاطه نموده و درهم پیچیده است؛ حیرت زده، خسران زده و زیانکار، با زیان و ندامت و حسرتی که از سر تا قدم او می بارد می خواهد کوچ کند. بانگ رحیل زده شده و دیگر وقت درنگ و تدارک نیست. بالاخص اگر به این امور فانیه دنیا با رنج و زحمت رسیده باشد و آنها را با مشقت تحصیل کرده باشد، در این صورت علاقه بیشتر بوده و بالنتیجه دل کندن از آنها مشکلتر است. چون به موازات و به نسبت مستقیم، هرچه کوشش و تحمل زحمت برای بدست آوردن چیزی بیشتر شود به همان میزان محبت به آن بیشتر و دلبستگی به آن شدیدتر و دل کندن از آن ناهموارتر است. با این خصوصیات اگر به کسی بگویند: یک سال دیگر می میری یا مثلاً ده سال دیگر می میری، دنیا در چشم او تاریک می شود؛ گوئی تمام عذابها را بر او وارد کرده و کوهها را بر سر او خراب می نمایند.

به نام خدا

با سلام

من بهنام هستم مدیر وبلاگ جن و روح من تمام تلاش خودمو میکنم که جن و روح رو به تمام هموطنان عزیزم در تمام جهان معرفی کنم ولی بعضی ها فکر می کنند که جن فقط برای مسلمانان است ولی اشتباه میکنند چون جن برای کل مذهب ها و نژاد ها است و به هیچ فرد خواسی مربوط

نمی باشد . من اومیدوارم روزی برسد که شبکه های تلویزیونی و رادیوی در مورد جن برنامه بسازند یا حرف بزنند یا حتی شبکه مجزا و مخصوص جن و روح ماورا ... بسازند. یا مجله و سایت های درمورد این موضوعات بیشتر بنویسند و گفتگو کنند. روزی که جن مردم جن را به صورت دوست و رفیق و خواهر و برادر بدانند ، همیشه با آنها در ارتباط باشند بدون ترس و هیچ دلهره ای و چرا باید در شبکه های بیهوده کزای ساخته شود ولی در مورد جن و روح و ماورا .. نه ، چرا باید مردم ما فقط دنبال پول و ثروت و... باشند چرا درمورد زندگی آخرتشان چیزی نداند ، مگر

ما از محمد (ص) نیستیم بس چرا نباید به جن ایمان نیاوریم مگر کل امامان و فرزندان آنها با جن در ارتباط نبودند مگر حضرت محمد (ص) به جن ها یاد نداد که چگونه و چه نوع غذای بخورند ، مگر امام جعفر صادق (ع) نبود که گفت : استخوان های را که از غذایتان مانده دور یا نشوید تا جنیان هم از آنها استفاده نکنند بس بیایم در مورد این مسائل بیشتر بدانیم.

حروف ابجد

ذکر نام علی(ع) عبادت است. حضرت محمد (ص) آرزوها غرور آورند. حضرت علی (ع) ستون دین است .

حروف ابجد کبیر زیر مورد پذیرش همه ادیان می باشد / ابجد کبیر /

۱= ا ب ۲= ج ۳= د ۴= ه ۵= و ۶= ز ۷= ح ۸= ط ۹= ی ۱۰= ک ۲۰= ل ۳۰= م ۴۰= ن ۵۰= س ۶۰= ع ۷۰=

ف ۸۰= ص ۹۰= ق ۱۰۰= ر ۲۰۰= ش ۳۰۰= ت ۴۰۰= ث ۵۰۰= خ ۶۰۰= ذ ۷۰۰= ض ۸۰۰= ظ ۹۰۰= غ ۱۰۰۰=

درباره علم جفر باید بگویم که برای استخراج سوالات باید در عصر حاضر بخصوص در باره استخراج مستحصله باید نزد استادانی چون حسن زاده آملی تلمیز شد بنده بعلت ذوق و علاقه خاص و آشنایی مختصر به حروف جفر که داشته ام رابطه عدد و حروف را بدست آورد و در سوال و جواب که ذکر شده سوالات را خود م طرح نمود م وکل کلمات سوالات همین صفحه آورده ام اما نمونه را به عدد تبدیل نمودم و عدد را تحویل استادم ارائه می نمودم وایشان بدون دانستن سوال در مدت کوتاه جواب را دقیقا استخراج مینمودن که ۳ نمونه سوال و جواب را برایتان ارائه نمودم در ضمن هم اکنون به استاد دسترسی ندارم و خیلی از کاربران روشهای استخراج مستحصله و یا موارد دیگر مثل قوا را تقاضا نمودن که خودم چندین سال است در جستجوی استاد و یا کتب برای بدست آوردن روش استخراج مستحصله میباشم .

طول عمر جن / اگر میانگین عمر انسانها رو ۸۰ در نظر بگیریم، میانگین عمر جن ها ۱۰۰۰ساله اما مثل انسانها ممکنه از میانگین بیشتر یا کمتر هم زندگی کنند. فکر میکنید موجوداتی که تا الان مثلا ۵۰۰-۶۰۰ سال زندگی کردن حتما پیر و فرسوده هستن، نه؟ اما اینطور نیست. نکته جالبی که در مورد عمر جن ها وجود داره، روند رشد جسمی شونه.

جن ها از نظر فیزیکی بسیار کند رشد می کنند. جسمشون تقریبا ۱۱ برابر کندتر از انسان رشد می کنه. یعنی اونا ۱۱

برابر دیرتر از ما پیر میشن.یه مثال می زنم. فرض کنید همین امروز یه نوزاد انسان و یه نوزاد جن همزمان به دنیا اومده باشند. ۱۱ سال دیگه اون نوزاد انسان چه شکلی میشه؟ یه بچه مدرسه ای کلاس پنجم دبستان در نظرتون میاد.

درسته؟ حالا نوزاد جن چی؟... اون بعد از ۱۱ سال تازه اندازه ی یه بچه ی یکساله شده.

برعکس این جریان ، جن ها از نظر رشد عقلی و احساسی خیلی خیلی سریع تر از انسان هستند.

یعنی یک جن هر روزی که از عمرش می گذره به اندازه ی ۵-۶ سال آگاهی و شعورش بیشتر می شه. طوری که نوزاد جن ۳ هفته بعد از تولدش تمام آگاهی هایی که یه انسان عادی در طول زندگیش می تونه بدست بیاره، در ذهنش داره. البته مقیاس ها و اعدادی که من استفاده کردم، تقریبی بودند و یه چیز حدودی گفتم که بتونید تصور کنید وگرنه محاسبات دقیق نیست.

متافیزیک / انسان موجود بسیار پیچیده‌ای است و دارای قدرتهای عجیب و غریب فراوان می‌باشد، که این خود نشانه و آیت عظمت خالق تواناست(فتبارک الله احسن الخالقین). از این روست که می‌تواند کارهای خارق‌العاده و غیر طبیعی انجام دهد، این گونه کارها معمولاً از ابعاد فیزیک و متافیزیک وجود بشر منشاء می‌گیرد. در بعد فیزیک انسان می‌تواند با کمک ابزار و با انجام تمرینات، سرعت خود را در انجام برخی کارها افزایش دهد و یا نسبت به برخی پدیده‌ها عادت پیدا کند که برای سایرین عجیب می‌نماید. در بعد متافیزیک انجام این کار با استفاده از نیروی‌های روانی، فراروانی و روحی صورت می‌گیرد. برخی افراد با بهره‌گیری از این توانایی‌های خارق‌العاده اقدام به پیشبرد اهداف شوم خود می‌کنند و یا حداقل این امور را بهانه‌ای برای کسب درآمدهای مالی و مادی قرار می‌دهند. البته محدود افرادی نیز یافت می‌شوند که از این توانمندیها برای خدمت به خلق و یا در انجام کارهای خیر و مثبت بهره می‌گیرند. در جامعه امروز علی‌رغم تمام پیشرفتهای صنعتی و علمی، هنوز افراد زیادی برای حل مشکلات خود به این روشها روی می‌آورند و به این بهانه‌ها مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. لذا بر آنیم تا با تشریح و نقد و بررسی این مقولات آگاهی لازم را به عموم منتقل نموده تا جلوی سوء استفاده برخی افراد فرصت طلب گرفته شود، همچنین می‌خواهیم یادآور شویم که یگانه قدرت مؤثر در عالم خدای قادر می‌باشد(الله الواحد القهار)، لذا بهتر است برای حل مشکلات بجای روی آوردن به سحر، طلسم، جادو و امثال آن به درگاه رحمت حضرت حق پناه بریم، جای بسی تأسف است که هنوز در عمل، به این مطلب مهم اعتقاد پیدا نکرده‌ایم که «و من یتوکل علی الله و کفی بالله وکیلاً».

انجام امور خارق‌العاده معمولاً از طریق علوم غریبه صورت می‌گیرد. علوم غریبه دارای پنج شاخه اصلی می‌باشد که عبارتند از: علم کیمیا، علم لیمیا، علم هیمیا، علم سیمیا و علم ریمیا. البته این علوم دارای شاخه‌های فرعی نیز می‌باشند که از آن جمله می‌توان به علم اعداد و اوفاق، علم احضار ارواح، علم تنویم مغناطیس و خافیه اشاره کرد. موضوع علم کیمیا، چگونگی تبدیل صورت یک عنصر به صورت عنصر دیگر می‌باشد. این همان است که در طول تاریخ

افراد زیادی به دنبال آن بوده‌اند و قصد تبدیل خاک به طلا داشته‌اند. داستانهای زیادی در ادبیات ملل مختلف دربارهٔ کیمیا وجود دارد، ظاهراً عرفا دارای این قدرت بوده‌اند(آنان که به یک نظر خاک را کیمیا کنند). علم لیمیا، علم تسخیرات است. در این شاخه چگونگی تأثیرهای ارادی در صورت اتصالش با موجودات ماورائی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. لیمیا منجر به کسب قدرت تسخیر جن و روح می‌شود. منظور از تسخیر آن است که موجودات در اختیار و به فرمان انسان باشند.

معمولاً افراد سودجو معمولاً افراد سودجو برای رسیدن به اهداف خود(که عمدتاً اهداف غیر معنوی و مادی است) از این موجودات تسخیر شده بهره می‌برند. در علم هیمیا، ترکیب قوای عالم بالا با عناصر عالم پایین مد نظر است و به آن علم طلسمات نیز می‌گویند. در طلسم از طریق برخی ابزار و وسایل مادی(عناصر عالم پایین) نیروهای ماورائی جهت انجام کارها به خدمت گرفته می‌شوند. ظاهراً طالع‌بینی نیز زیر مجموعهٔ هیمیا می‌باشد. در طالع‌بینی اعتقاد بر این است که محل و موقعیت قرار گرفتن ستارگان در لحظه تولد نوزاد، بر سرنوشت و آینده او تأثیر می‌گذارد و از این طریق نسبت به پیشگویی در مورد آینده اقدام می‌شود. طالع‌بینان معمولاً با استناد به تأثیرات ماه، خورشید و ستارگان دیگر پیشگویی می‌کنند. در کل پیشگویی و اطلاع از اخبار آینده مورد تأیید نمی‌باشد، هرچند که ممکن است این کار عملی باشد. اگر لازم بود انسان از آینده با خبر باشد، مسائل آینده در حجاب و پوشش قرار نمی‌گرفت و یقیناً پوشیده بودن آن حکمت الهی داشته و خیر عموم در آن است. سیمیا علم ترکیب نیروهای روانی و جسمانی است. به عبارت دیگر هماهنگ ساختن و خلط کردن قوای ارادی با قوای مخصوص مادی می‌باشد. از این علم برای دستیابی و تحصیل قدرت در تصرفات عجیب و غریب در امور طبیعی استفاده می‌شود. برای مثال تصرف در خیال مردم و تغییر آن از این دسته است. علم ریمیا استفاده از قوای مادی در انجام امور خارق‌العاده است. مانند کاری که معمولاً شعبده‌بازان انجام می‌دهند. این افراد از توان نهفته در امکانات و وسایل مادی با ظرافت خاصی برای انجام کارهای عجیب و غریب بهره می‌گیرند. کهانت و سحر نیز از همین مقولات می‌باشند. کهانت خبرگیری و یا طلب یاری از جن یا ارواح و امثال آن است.

در کلام معصومین از کاهن به عنوان کافر یاد شده است. سحر، انجام امور خارق‌عادت از طریق دعا، افسون و طلسم می‌باشد. سحر کفر به خداست و تصرف و دست یازیدن در عالم بر خلاف وضع عادی آن می‌باشد. سحر مایهٔ شر بوده، شوم‌ترین منابع فساد در اجتماع بشری است. منشاء سحر ابلیس می‌باشد و از این طریق نیز به سایر شیاطین(انسی و

جنی) منتقل شده است. کسانی که از سحر و جادو استفاده می‌کنند با شیاطین در ارتباط هستند. امروزه وجود و تأثیرات سحر، طلسم و امثال آن از دیدگاه دین و علم اثبات شده است ولی دین رفتن به سمت این امور و استفاده از آن را شدیداً نهی می‌کند. مبین آن اینکه حضرت علی (علیه‌السلام) - امام عارف و آگاه به علوم غیب - می‌فرماید: «هر که چیزی از جادو بیاموزد، کم یا زیاد، کافر است.» موضوع دیگر از این مقولات نجوم می‌باشد، که از دو دیدگاه قابل بررسی است. اول علم نجوم که توسط دانشمندان فیزیک، ریاضی و ستاره‌شناسان و به صورت علمی و یا روشهای تجربی مورد نقد و بررسی است. دوم علم نجوم که بیشتر توسط طالع‌بینان و با روشهای متافیزیک برای کشف امور پنهانی مورد استفاده می‌باشد. ظاهراً حالت اول بلامانع و حالت دوم محل اشکال است. در حالت دوم می‌توان به سه صورت به موضوع نظر داشت. اول اعتقاد به تأثیر حرکات کواکب در موجودات و عالم هستی که تحریم شده است، دوم اعتقاد به خدای سبحان به عنوان تنها مؤثر در عالم هستی که اندیشه‌ای بسیار عالی است، سوم اعتقاد به اینکه ارتباط حرکات کواکب با حوادث و رخدادها از نوع ارتباط کاشف و مکشوف است که این دیدگاه اشکال ندارد (تحریم نشده ولی تأیید نیز نشده است). خلاصه کلام آنکه اگر انسان، ستارگان و کواکب و حرکات آنها را عامل مؤثر بر سرنوشت بدانند (و یگانه قدرت مؤثر بر هستی را از یاد برد) و از این طریق پیشگویی کند، راه را خطا رفته و از سبیل الی‌الله خارج شده است. در پاورقی صفحه ۶۲۳۵ کتاب گرانقدر "میزان الحکمه" به نقل از مبحث تنجیم کتاب مکاسب آمده است: «پیشگویی کردن از روی اوضاع کواکب و حرکات آنها اشکال ندارد، به این معنا که کسی، با مشاهده وضع معینی در ستارگان مانند نزدیکی و دوری و مقابله و اقتران میان دو ستاره، به صورت گمان و تخمین حکم به وقوع فلان حادثه در آینده بکند... و بلکه علی‌الظاهر، پیشگویی کردن به صورت قطع و جزم نیز اشکالی ندارد...» سحر و طلسم علی‌رغم وجود و تأثیرات غیر قابل انکار آن، قابل ابطال است. ابطال سحر و طلسم از طرق مختلف امکان پذیر است. احتمالاً تنها کار مجاز در امور سحر و طلسم نیز ابطال آن به قصد کمک به خلق با نیت رضای حق تعالی می‌باشد. بهترین شیوه برای ابطال طلسمات، توکل به خداوند قهار و جبار و پناه بردن به اقیانوس بی‌کران رحمت او، قرآن کریم می‌باشد، چرا که «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین». برای جلوگیری از تأثیرات سحر و طلسم قرائت قرآن کریم بخصوص سوره‌های کافرون، اخلاص، فلق و ناس بسیار مؤثر است. بخصوص تلاوت سوره‌های فلق و ناس در ابطال تأثیرات سحر و طلسم بی‌نهایت مفید می‌باشد. جای بسی تأمل و تعمق است که انسان می‌تواند آن همه توان و نیروهای خارق‌العاده خود را (که موهبتی الهی است) در راه شناخت حق تعالی صرف کند و جزو سالکان طریق

الی‌الله قرار گیرد، با این حال چگونه با استفاده‌های منفی از توانمندیهای خود جزو سالکان در طریق الی شیطان می‌شود؟! (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم)

درمورد جن / جن دارای حرکات بسیار سریع می‌باشد و به همین دلیل قبلاً می‌توانست در آسمان نفوذ و استراق سمع کند ولی با ظهور حضرت مسیح(علیه‌السلام) جلوی ورود و نفوذ آنها به آسمانها به صورت نسبی گرفته شد و با ظهور پیامبر گرانقدر اسلام حضرت خاتم الانبیاء(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کاملاً از ورود آنها به آسمانها جلوگیری گردید، پس جن نمی‌تواند از آینده و اسرار غیب خبر دهد و آنهایی که مدعی این گونه امور هستند، آگاهانه یا ناآگاهانه دروغ می‌گویند. خلقت انسان بعد از خلقت جن روی زمین بوده است و جن‌ها هفت هزار سال پیش از انسان در کره زمین زندگی می‌کردند. همانطور که انسان‌ها از نسل آدم و حوا بوده، جن‌ها از نسل مارچ و مارچه می‌باشند. طول عمر جن از انسان بسیار زیادتر است ولی جن نیز دارای مرگ، تولد و عمر محدود و مشخص می‌باشد، همچنین دارای حشر، نشر، معاد، حساب و کتاب اخروی است. از لحاظ مرفولوژی و ظاهری، قیافه واقعی جن با انسان تفاوت دارد(این موجودات می‌توانند با قیافه و ظاهر کاذب نمایان شوند). جن یک امتیاز از لحاظ ظاهری نسبت به انسان دارد و آن اینکه می‌تواند به هر شکلی که می‌خواهد اعم از انسان و حیوان دربیاید، ولی به شکل پیامبران، ائمه معصومین و شیعیان واقعی ظاهر نمی‌شود. طول قد جن بسته به سن او، بین سی تا هشتاد سانتیمتر است. جن دارای دو جنس مذکر و مؤنث است و تولید مثل می‌کند. نطفه جن بر خلاف انسان از جنس و ماهیت شبیه هوا می‌باشد. برخی معتقدند که انسان و جن می‌توانند با همدیگر ازدواج نموده، حتی تولید مثل نمایند. دستگاه گوارش جن با انسان تفاوت دارد، جن از پس مانده غذای انسان بصورت بو کشیدن و یا مزه مزه کردن استفاده می‌کنند. بطور معمول جن انسان را می‌بیند ولی برای انسان قابل رؤیت نمی‌باشد. جن مانند انسان دارای علم، ادراک، قدرت تشخیص، مسئولیت و تکلیف است. پیغمبر گرامی اسلام بر جن‌ها نیز مبعوث شدند و در بین جن‌ها نیز دین و مذهب و فرقه وجود دارد. جان به دو گروه مسلمان و غیرمسلمان تقسیم شده و مسلمانان آنها نیز در دو گروه اهل تشیع و اهل تسنن قرار می‌گیرند. رهبر جن‌های شیعه «سعفر ابن زعفر» می‌باشد و لوحی مزین به جمله مبارک «یا ابا عبد الله الحسین» برگردن دارد. پدر زعفر در صدر اسلام توسط حضرت علی(علیه‌السلام) کشته شد و خود نیز به دست آن حضرت مسلمان گردید. زعفر و لشکریانش در واقعه کربلا به یاری حضرت امام حسین(علیه‌السلام) شتافتند ولی آن امام بزرگوار اجازه نفرمودند. در منابع مختلف از جمله قرآن کریم، تفاسیر، احادیث و کتب علمی از جن یاد شده است. دانشمندان غربی از جن به عنوان ارواح صدادار

یاد می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام که درود خدا بر او باد می‌فرمایند: «خداوند جن را در پنج صنف آفرید: باد، مار، عقرب، حشرات و انسان.» برخی از انسانها جن را می‌پرستند، علامه طباطبائی (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمایند: «مشرکان سه دسته می‌شوند، اول آنها یکی که جن می‌پرستند، دوم آنها یکی که ملائکه می‌پرستند و سوم آنها یکی که مقدسینی از بشر را پرستش می‌کنند.» ابلیس از طوایف جن است و در قرآن صراحتاً به این مطلب اشاره شده است. ابلیس شش هزار سال عبادت کرد و همین امر باعث شد از زمین به آسمان برود و در رده ملائک قرار بگیرد و به درجه‌ای رسید که مرتبه استادی برخی از ملائک را داشت. برخی از جن‌ها علاقمند به داشتن ارتباط با انسان می‌باشند، بعضی انسانها نیز به ایجاد رابطه با جن تمایل دارند، ایجاد این ارتباط امکان پذیر است ولی به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود و نهی شده است، برخی از علما نیز آن را مجاز نمی‌دانند. ارتباط با جن و تسخیر جن نه تنها هیچ سودی برای انسان ندارد بلکه مضر نیز می‌باشد، اگر انسانی با جن ارتباط گرفت، دیگر نمی‌تواند آنرا قطع کند و یا حداقل قطع این ارتباط دارای عواقب خطرناکی است. قابل ذکر است که جن در مقابل ارتباط با انسان و بعضاً خدماتی که ارائه می‌کند، چیزهایی از انسان می‌گیرد که جبران آن بسیار سخت بوده، یا غیرقابل جبران است. در صورتیکه جن از طرف انسان احساس خطر کند و یا آسیب ببیند، اقدام به تلافی خواهد کرد و به شخص مورد نظر یا بستگان نزدیک، از جمله همسر و فرزندان او آسیب می‌زند و یا آزار و اذیت می‌رساند، پس بهتر است در مورد جن به همین مقدار اطلاعات رسیده از منابع دینی و بزرگان اکتفا نموده، جن را بهانه‌ای برای تفکر و تدبّر در عظمت خالق آن قرار دهیم. برآستی که اگر انسان تمام عمر خویش را نیز صرف اندیشیدن در بزرگی و عظمت حق تعالی نماید، بسیار اندک خواهد بود.

چگونه موکل داشته باشیم / چطور موکل داشته باشیم: برای اینکه موکل داشته باشید باید اولاً قدرت تسلط بر جن داشته باشید (ارثی یا اکتسابی) و روشهای قسم دادن و مطیع کردن جنها رو بلد باشید. بعد یک جن بیچاره ای رو پیدا کنید و تحت تسلط بگیرید و مجبور به همراهی همیشگی با خودتون بکنید. روش دیگه اینه که شخصی که تعدادی جن رو تحت تسلط خودش داره، یکی از اونها رو برای مراقبت از شما مامور کنه. هر جنی که اسیر و مطیع انسان باشه، میشه بعنوان موکل، مامور مراقبت از کسی کرد. اینطوری نیست که یک جن خاص مخصوص مراقبت از شما باشه و بگردید پیداش کنید. احضار موکل: از اونجا که موکل هم یه جن مثل بقیه ی جنهاست، احضارش هم مانند سایرین با روشهای معمول احضار جن انجام می‌شه. من هنوز در مورد ارتباط با جن مطلب دارم. در قسمتهای آخر ارتباط با جن، یک یا چند روش احضار رو می‌نویسم.

من و موکل: یه زمانی که زندگی در خطر بود جنهایی در فواصل زمانی مختلف از طرف استاد.م مامور شده بودند مراقب من باشند. همه ی اونها الان از دوستان صمیمی من هستند و گه گاه می بینمشون و برای لطفهایی که به من داشتند همیشه ازشون ممنونم.

کارهای موکل: کارها و مدت زمان همراهی موکل بستگی به وظیفه ای که بهش داده شده داره. گاهی ممکنه جنی مامور باشه فقط ۲۴ ساعت مراقب جان یک نفر باشه یا اینکه مامور باشه نگذاره کسی براش سحر و اینجور چیزا بگیره و ممکنه ماموریت خاصی نباشه و موکل فقط همراه و مراقب سلامتی کلی باشه. در هر کاری می شه از جن همراه کمک گرفت. لازم نیست شما اونو ببینید. کافیه ازش چیزی بخواید و بین ۱ تا ۳ ساعت بعد معمولاً انجام می ده. گاهی فقط دیدن ناراحتی شما کافیه که کاری براتون انجام بده و لازم نیست حتی بهش بگید. موکل اگر محدود نشده باشه (توسط کسی که اسیر و قسم خورده ش کرده) در زندگی انسان دخالت می کنه و اونو به سمتی که خودش مایل باشه می کشه. می تونه برای رسیدن به هدفهاتون کمکتون کنه و شرایط رو به نفع شما تغییر بده. خلاصه موجودی که می تونه نامرئی باشه، مسافتهای طولانی رو در کسری از ثانیه بره و برگرده، از تمام علمهای دنیا آگاهی داره و روی ذهن و رفتار شما و دیگران تاثیر و تسلط داره، رو تصور کنید و ببینید چه کارهایی می تونه انجام بده.

هیولای مورباخ / - آیا تا کنون نام هیولای مورباخ را شنیده اید؟ ستوان رینولدز در این رابطه می گوید:

اولین باری که با نام این موجود آشنا شدم زمانی بود که جهت انجام ماموریتی به پایگاه هوایی هان منتقل شده بودم. این پایگاه جهت حفظ و نگهداری مهمات و در نزدیکی روستای ویتیش واقع شده بود. در افسانه های مردم آلمان این روستا آخرین مکانی بود که گرگ انسان نما در آنجا رویت و کشته شده بود. معبدی در خارج این روستا وجود داشت که شمع های بزرگی را همواره در آن نگه می داشتند. بنابر همان افسانه ها در صورت خاموشی این شمع ها ، گرگ انسان نما باز می گشت. شبی از شب ها ، گروهی از افراد پلیس پایگاه عازم پست های نگهبانی خود بودند و با دیدن شمع های خاموش معبد شروع به شوخی با یکدیگر و تمسخر اعتقادات مردم محلی راجع به گرگ انسان نما کردند. ساعاتی از نیمه شب نگذشته بود که زنگ خطر قسمتی از پایگاه به صدا در آمد. هنگامی که گروه تجسس پایگاه به محل حادثه رسید ناگهان با صحنه ای وحشتناک روبرو شدند. موجودی سگ مانند که روی دو پای عقب خود ایستاده بود به آنها نگریسته و با جهشی بلند از روی فنس ۴/۵ متری عبور کرده بود. همان موقع سگ های تربیت شده نیروی

هوایی را به محل حادثه آوردند اما با تعجب دیدند که سگ ها زوزه کشان به دنبال مکانی جهت مخفی شدن می گردند و از هر گونه عملی در جهت تعقیب موجود ناشناس به شدت پرهیز می کنند.

این حادثه در سال ۱۹۸۸ اتفاق افتاد و اسناد آن در دفاتر نیروی هوایی آلمان موجود است. در ششم اکتبر سال ۱۹۹۷ و سال ها بعد از اینکه این ماجرا را در روزنامه درج کردم نامه الکترونیکی از جانب یکی دیگر از افسران آن ناحیه که نمی خواست نامش فاش شود بدستم رسید که محتوی آن نامه بدین گونه بود: در فاصله ی میان سال های ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹ ، من در پایگاه هوایی هان به عنوان نیروی امنیتی مشغول به کار بودم. باید اذعان کنم مسئولیت گروهی که بعد از شنیدن زنگ خطر به محل اعزام شد بر عهده ی من بود و ما بودیم که گرگ انسان نمای مریخ را مشاهده نمودیم. کسی که این ماجرا را برای شما تعریف کرده دارای اطلاعات بسیار دقیقی بوده و تمام گفته هایش مبتنی بر حقیقت است. موجودی را که ما مشاهده کردیم کاملا شبیه به گرگ یا سگ بود. بلندی قد او بالغ بر ۳ متر و نیم بود و توانست با یک جهش سه گام تور فلزی ۴/۵ متری را پشت سر بگذارد. وظیفه داشتم تا به عنوان یکی از مسئولان پایگاه هان صحت ماجرای آن شب را تایید کنم.

احضار جن / برای احضار جن باید اول ایت الکرسی را خواند سپس چهار قل خوانده شود و بعد از آن با یک کارد فولادی خطی به دور خود بکشید و سپس سندروس و کندر را در آتش انداخته و مشغول خواندن سوره (صافات) میشوید و وقتی به ایه شهاب ثاقب رسیدید پس از گفتن شهاب ثاقب نام جن مورد نظر خود را میبرید به این نحه(احضروا یا فلان) و به جای فلان اسم جن مورد نظر خود را میبرید

تسخیرهمزاد / اعمال تسخیر همزاد:

۱- محلی را انتخاب کرده که هیچ کس به جز شما به آنجا رفت امد نکند. اگر محل مورد نظر اتاق می باشد باید کاملا" تمیز بشود حتی در و دیوار هامخصوصا" دیوار طرف غربی و طرف قبله .

۲- قبل از عمل اتاق کاملا" افتاب بخورد . اتاق را خوب معطر کنید و در دوران عمل از بخورات خوشبو

استفاده کنید سپس کاملا" لخت شده و یک لنگ بدور خود پیچیده و عمل کنید عمل حتما" باید پشت سر هم انجام شود تا باعث ضرر و زیان نشود.

۳- این عمل بایستی حتما" در تاریخ اول ماه قمری شروع شود.

طریقه عمل : / یک چراغ در اتاق روشن کرده و آن را پشت سر خود می گذارید و می نشینید بشکلی که سایه شما روی دیوار معلوم باشد . سپس به پیشانی سایه خود نگاه می کنید . بیشتر از یک ساعت به تصویر خود خیره شده و کاری می کنید که سایه درست روی دیوار روبروی شی قرار گیرد هر وقت که پلک زدید به بالای سر خود نگاه کنید . در این زمان متوجه یک نور یا روشنایی بشکل دایره خواهید شد این نور و روشنایی تغییر رنگ داده و به رنگهای مختلف در می آید و در یک لحظه از بین می رود و محو میشود و در لحظه ای دیگر دوباره ظاهر میشود با این حال شما به عمل خود ادامه دهید و فکر تان فقط و فقط در حول و حوش عمل خود باشد وحشت نکنید تصور و نیتتان پاک و خیر باشد و حصار و حفاظ اطراف خود را فراموش نکنید.

درباره جن/ در قرآن اهمیت ویژه‌ای به اجنه: داده شده، به‌طوریکه ۴۸ آیه به آنان اختصاص یافته است، ولی در دو کتاب توحیدی دیگر، تورات و انجیل سخنی از جن به میان نیامده است. حتی در قرآن سوره‌ای به نام سوره جن وجود دارد. به روایت قرآن، در دوران پیش از نزول این کتاب گروهی از اجنه کوشیده بودند خود را به آسمان برسانند تا در آنجا استراق سمع کنند و از اسرار عالم بالا آگاه شوند ولی این جنیان پس از نزول قرآن دریافتند که آسمان شدیداً تحت مراقبت است و اجنه‌ای که قصد رخنه بدان را داشته باشند هدف تیر شهاب ملائک پاسدار قرار می‌گیرند(جن، ۸ و ۹۹). همچنین به حکایت قرآن، بخشی از سپاهیان سلیمان از اجنه بودند و فرماندهانی از گروه خودشان داشتند(نمل ۱۷). در قرآن درباره جن اینگونه آورده شده است: نخست: این نوع از آفریدگان پیش از نوع بشر خلق شده‌اند.

دوم: این نوع آفریدگان از جنس آتش خلق شده‌اند، همچنان که نوع بشر از جنس خاک خلق شده‌اند، و در این باب گفته: "جن را ما قبلاً از آتشی سموم آفریده بودیم" (۱)

سوم: این نوع از مخلوقات مانند انسان زندگی و مرگ و رستاخیز دارند، و در این باب گفته: "اینان کسانی که همان عذابی که امت‌های گذشته جنی و انسی را منقرض کرده بود، برایشان حتمی شده" (۲)

و چهارم: این نوع از جانداران مانند سایر جانداران نر و ماده و ازدواج و توالد و تکاثر دارند، و در این باره گفته: "و اینکه مردانی از انس بودند که به مردانی از جن پناه می‌بردند" (۳)

پنجم: این نوع مانند نوع بشر دارای شعور و اراده است، و علاوه بر این، کارهایی سریع و اعمالی شاقه را می‌توانند انجام دهند، که از نوع بشر ساخته نیست، همچنان که در آیات مربوطه به قصص سلیمان و اینکه جن مسخر آن جناب بودند، و نیز در قصه‌شهر سبا آمده است.

ششم: جن هم مانند انس مؤمن و کافر دارند، برخی صالح و بعضی دیگر فاسدند، و در این باره گفته "من جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند" (۴)

• سوره حجر، آیه ۲۷ • سوره احقاف، آیه ۱۸ • سوره جن، آیه ۶ • سوره ذاریات، آیه ۵۶

آیات بیشتر در مورد جن و یا اشاره به جنیان:

گروهی از اجنه آیات قرآن را شنیدند و با تعجب گفتند که این کتاب ما را به راه هدایت میبرد و لاجرم دیگر به خدای واجد شرک نخواهیم ورزید (جن، ۱ و ۲)

اما بعضی دیگر از آنها کافر ماندند و هیزم کش جهنم شدند (جن، ۱۴ و ۱۵)

اینها اسلام آوردند و البته اگر در راه راست پایدار بمانند خداوند به آنها آب گوارا نصیب خواهد کرد (جن، ۱۶)

و به آنان میگوئیم شما نیز جزو آن گروهی از اجنه و آدمیان شوید که پیش از شما به آتش دوزخ داخل شدند (اعراف،

۳۸) چون محمد برای دعوت به خدا قیام کرد طایفه جنیان بر او ازدحام آوردند (جن، ۱۹)

در روز محشر به اجنه خطاب شود که ای گروه جنیان، شما از حیث تعداد بر آدمیان فزونی گرفتید، ولی آیا ما برای شما

رسولانی از جنس خودتان نفرستادیم که آیات ما را بر شما بخوانند و شمارا از چنین روزی بترسانند؟ (انعام، ۱۳۰)

خب اما جن چیست؟ / ۱- جن جانوریست دارای شعور و فیزیکی غیر ارگانیک که از لحاظ شان وجودی از دید ادیان

ابراهیمی پایینتر از انسان و بالاتر از حیوان جای می گیرد در فرهنگ فارسی به آن دیو و در فرهنگ عرب به آن جن و

در فرهنگ لاتین demon یا jinn نام گرفته است. جن به معنای چیزی است که پوشیده شده و منظور پوشیده ماندن

او از حواس ماست ۲- خصوصیات فیزیکی جن از دید انسان اعجاب آور است عنصر اصلی وجودی جن آتش است و به

علت نداشتن عنصر خاک در وجودش مانند بارباپایا می تواند به هر شکل و اندازه ای تبدیل شود و بسیاری از چیزها را

در یک آن جا به جا کند همچنین سرعت نقل مکان بسیار بالایی دارد می تواند مثلا ظرف ۵ دقیقه فاصله بین لاهور و

تهران را طی کرده و برگردد ۳- جن ابزار ساز نیست و به علت خصوصیات فیزیکی منحصر بفرد قادر است در هر مکان و

شرایطی زندگی کند و برای همین به خانه و مسکن نیازی ندارد زیرا سرما و گرما و باد و بوران بر او کارگر نیست جن

به وسایل حمل و نقل بی نیاز است و از اینجا می توان فهمید که جن ها دارای صنعت و تکنولوژی نیستند و شهر و

کاشانه ای ندارند مکان معمول زندگی آنها کوه و جنگل و دشت است ۴- جن مانند همه جانداران غذا مصرف می کند اما

به مقداری بسیار کمتر از انسان ۵- جن ها مثل انسان جنسیت ونر یا ماده دارند تولید مثل می کنند و تشکیل خانواده

می دهند و به صورت جماعت زندگی می کنند و جامعه ندارند ۶- جن نسبت به انسان زیاد عمر می کند حدود ۱۰۰۰ سال به بالا. جن هایی که در سوره ی جن از آنها نام برده شده که وقتی اولین بار آیات قرآن را شنیدند از شدت ازدحام داشتند بر سر هم خراب می شدند احتمالا هنوز زنده اند جن ها مانند انسان داناوندان. فرمانده و فرمانبردار ارباب و بنده کافر و متدین شفیق و شرور دارند. وقتی که مردند از بین میروند و نیازی به قبر و گورستان ندارند ۷- جن دارای عقل است اما نه عقل ابزار ساز و عقل فلسفی و خلاقیت هنری. عقل جن به معنای قوه ی ارزیابی امور روزمره یا همان عقل معاش و قوه تشخیص است به اضافه هوشی سرشار اعم از قدرت خواندن فکر و جستجو و یافتن گذشته و آینده ۸- جن ها مانند انسان نامگذاری می شوند و دارای اسم و رسم و شهرت هستند دارای زبان خاص و قوه تکلم هستند و قادر به فهم زبان آدمیان ۹- معروف ترین جن ابلیس یا همان شیطان نام دارد که وصف حال او را شنیده اید که چون بسیار در قرب به حق کوشید به جایگاه فرشته های مقرب رسید اما چون حاضر به سجده بر انسان یعنی شریک قرار دادن بر خدا نشد از درگاه رانده شد!!! ۱۰- طبیعت بین جن و انسان فاصله گذارده است این پرده عبارت است از شان وجودی آنها و هراس طبیعی هر دو از هم. جن طبیعتا انسان را می بیند اما انسان جز در شرایط خاص قادر به رویت جن نیست ۱۱- جن در شرایطی قادر به تسخیر انسان و انسان در شرایطی قادر به تسخیر جن است انسان مسخر شده را مجنون یا دیوانه یا دیو زده و جن تسخیر شده را موکل می نامند گویند خود جنیان بر سه قسمند دیو، جن و پری که از لحاظ مکانی مادون فرشته هستند ۱۲- جن می تواند در مواردی تربیت شده به انسان خدمت کند چنین سنتی در میان جنگیران ایران و پاکستان وهند وجود دارد اما به طور کل نه بودا نه دالای لاما نه اولیا الله و نه عرفا و نه پیامبران هیچکدام به مدد خواستن از موجوداتی که مثل انسان خطا و اشتباه و گناه می کنند توصیه نکرده اند اما همگی وجود آنها را تایید کرده اند. ۱۳- جنیان مانند امواج رادیویی و ماهواره ای با ما هستند ظاهر نمی شوند اما حاضر می شوند و بعضی از آنها در خانه ها و بدن شخصیت های ضعیف رفت و آمد می کنند یکی از راه های دور کردن جنهای مزاحم خواندن و آویختن ۴ آیه از قران است که با قل شروع می شوند و بسیاری ادعیه که در کتب مختلف وجود دارند. اما راه دور کردن انسان شرور چیست؟! ۱۴- جن هابعضی از ما را به شکل همزاد و غیر همزاد دوست دارند و کمکمان می کنند همینطور جواهرات و اشیای قیمتی ما از جمله انگشترهایی با نگین سنگ (مخصوصا عقیق) را بسیار دوست دارند (ومخصوصا اگر بر آن آیات و اوراد حک شده باشند) اگر دوستان داشته باشند و سخنی باماداشته باشند بیشتر به خوابمان می آیند و دلسوزی خود را اعلام می کنند خیلی از آنها خدمتگذار ارواح اولیا هستند و دست ما را گرفته اند و

خیلی ها هم به کردار اکثر آدمیان اهل شیطننت. بیشتر آنها بی ضررند و مثل ما گرفتار این دنیا و درگیر و دار تقدیر خویشند ۱۵- اما آنان که ماورای طبیعت و موجوداتش را باور ندارند چند دسته اند: کسانی که آنچه که نمی بینند را باور ندارند اینها معمولا فقط آنتی تزقصه های جن و پری مادر بزرگ ها هستند که حتی زحمت دانستن کوچک ترین اطلاعاتی جز نقد داستان گرما به های تاریک و کوتوله های پاسمی و عروسی جن ها رابه خودشان نداده اند این تیپ آدمها از ۷ سالگی که مادر بزرگه داستان های جن و پری را برای ترساندن و خواب کردنشان تعریف می کرده هنوز زیر لحاف هستند. و یا اینکه هارد دیسک کوچکشان از مسئله پر شده و دیگر تاب و یارای درک و پذیرش راز را ندارند مثل من چهارتا کتاب فلسفه مدرن خوانده اند و تمام ماجرا را در همان چهارتا دیده اند. و گروهی که پوچ یا افسورد هستند کسانی که خویش را منکرند چه رسد به ماورای خویش و گروه آخر کسانی که جنها دستشان می اندازند و در مجالس احضار ارواح در نقش یک روح برایشان شیرین کاری می کنند تا فردا در مدح روح کتاب چاپ کنند و جایزه بگیرند! از دانسته های خویش برایتان گفتم قبل از آنکه شما با بهایی گزاف تجربه اش کنید یا اصلا تجربه اش نکنید چون راه سهل و ایمنی را پیش رو ندارید! جن برای انسان از انسان خطرناک تر نیست همانطور که انسان برای کوسه از کوسه خطرناک تر است! (در تاریخ بشر حتی یک مورد مرگ انسان به دست جن گزارش نشده در حالی که فقط در دوره حکومت استالین ۳۵ میلیون روس به قتل رسیدند آمار کشتار جنگ های مذهبی صلیبی و جنگ های جهانی و قومی و قبیله ای پیش کش) در حقیقت هیچ چیز هراس ناک تر و هوس ناک تر انسان نیست که به قول توماس هابز انسان گریگ انسان است ۱۶- در کل و بدون در نظر گرفتن موارد خاص آنها به ما کاری ندارند ما هم به آنها کاری نداریم از دود و دم و سر و صداهای شهر و بوی فاضلاب و توالی فراریند مثل ما کارما و مکافات دارند و دست آخر اینکه به عقیده من با تمام این اوصاف تفاوت اساسی با ما ندارند زیرا که: {آنها هم رنج می کشند}:::confused:

نظر ملا صدرا درباره جن / صدر المتالهین شیرازی معروف به ملا صدرا می نویسد (جن را وجودی در این جهان حس و وجودی در جهان غیب و تمثیل ((عالم مثال)) است، اما وجودشان در این جهان هیچ جسمی که آن را نوعی از لطافت و اعتدال باشد نیست، جز آن که روحی در خور آن و نفسی که از مبدا فعال بر آن اضافه شده است می باشد آنان بدنمای لطیفی دارند که در لطافت و نرمی متوسط بوده و پذیرای جدائی و گرد آمدن است، چون جدا گشت، قوامش نازک و حجمش لطیف گشته و از دیگرن پنهان می گردد.

مطالبی خواندنی درباره جن ، دیو ، پری / یکی از موجودات نادیدنی جن است . جهان ما برای جن قابل رویت و لمس است ولی جهان برای ما انسانها قابل رویت و لمس نیست . این موجودات به سه گروه پری و جن و دیو تقسیم می شوند که در عرض هم و از مخلوقات کره زمین هستند :

۱- دیوها پست ترین نژاد ، خاکستری رنگ و خشن اند و چشمانشان حد وسط افقی و عمودی است .

۲- جن ها نژاد متوسط و مثل آتش سرخ رنگ هستند ، چشمانشان عمودی است و پاهایشان کوتاه و گرد است چیزی شبیه سم اسب نه اینکه سم واقعی باشد .

۳- پری نسبت به آندو از نظر خلقت برتری دارد و پری ها سفید و بسیار زیبا هستند مثل انسانهای سفید پوست چشمانشان مثل چشمان انسان افقی است .

هیكل و شباهت آنها تقریباً به اندازه انسان است ، با این تفاوت که دیوها (غولها) کمی درشت تر و جن ها کمی ریزتر از انسانها هستند و شکل کلی اشان مثل انسان است و دو چشم و دو گوش و دهان و ... دارند.

دیو و جن و پری از هم جدا هستند ، داخل یکدیگر می شوند ولی کاری به کار هم ندارند و بین آنها جنگ و درگیری رخ نمی دهد .

جنیان غذا نمی خورند . استخوان و ضایعات غذای جنیان است و ممکن است از خوردنی ها و آشامیدنی ها ی دیگر هم استفاده نمایند . ازدواج هم دارند و بصورت خانوادگی زندگی می کنند ، جا و مکان برایشان مطرح نیست . نر و ماده دارند ، آلت تناسلی دارند ، جفت گیری می کنند و مدت بارداری کمتر از انسان دارند و معمولاً از هر شکم بیشتر از یک بچه متولد نمی شود .

وضع حمل آنها آسانتر از بشر است ، رشد بچه سریعتر و بلوغ هم دارند ، زاد و ولدشان مثل انسان زیاد نیست . طول عمرشان بیشتر از آدمی است مرگ دارند ، جسمشان فنا می شود و احتیاج به قبرستان ندارند .

سرما و گرما و درد ندارند ، اما لذت و خوشی و ناخوشی دارند . الفت خانوادگی و خارجی با هم دارند ، کار و شغل ندارند.

اکثر حیوانات و جانوران آنها را می بینند و برایشان عادی است از این رو به آنها حمله نمی کنند و می توانند خود را به صورت انسان و غیر انسان در آورند . آنها پدیده های بسیار لطیفی هستند و توان انبساط و انقباض خویش را دارند و در

حالت عادی در حال انبساطند ، لذا دیده نمی شوند ولی اگر منقبض شوند ، می توان آنها را دید . از آنها می شود عکس گرفت به شرطی که به این کار راضی باشند .

به علت نداشتن عنصر خاکی ، قوه طی الارض دارند و در آن واحد می توند از یک طرف زمین به طرف دیگر بروند . چون همیشه با ما در ارتباط و تماس هستند به همه زبانهای ما آشنایی دارند . معایبی دارند بدتر از بشر ولی معایبی که انسان دارد آنها ندارند . روزی که خداوند انسان را خلق کرد فاصله ای میان جنیان و بشر قرار داد که جنیان بدون اذن خدا اجازه نزدیک شدن و آسیب رساندن به آدمیان را ندارند و اصولاً از طرف خداوند اجازه اذیت کردن می یابند . هوش آنها بسیار زیاد است و می توند افکار را بخوانند ولی آینده انسان را نمی دانند و قوه خلاقه ندارند ، هر چه دارند ذاتی و همان است که در خلقتشان گذاشته شده است تا به حال چیزی اختراع نکرده اند

حکم فقهی ازدواج انسان با جنیان این است که علما در این باره اختلاف دارند ، عده ای گفته اند : ((جایز نیست ، زیرا اختلاف جنسی موجب امتناع است)) و بعضی دیگر گفته اند : پیامبر نکاح جن را نهی نموده که این نهی شامل کراهت هم می شود . بعضی از مشاهیر علمای اهل سنت و جماعت می گویند : با بودن شرایط نکاح بین انسان و جن و انس ازدواج مانعی ندارد و جایز است .

جن ها دارای روح و نفس هستند ، از بین خودشان پیامبر ندارند و بایستی از دستورات پیامبر آدمیان پیروی کنند ، چنانکه عده ای از آنها به حضرت مسیح گرویدند و عده ای دیگر به حضرت محمد (ص) و بعضی از آنها از دستورات خداوند سرپیچی می کنند . آنها هم خوب و هم بد، ظالم و مومن دارند ، دارای مذاهب گوناگونند .

عبادتشان طبق همان عقیده دینی است که دارند ، مثلاً جن های مسلمان نماز می خوانند و روزه می گیرند و وظیفه دارند تمام آداب را به جا آورند . به خدمت پیامبر و ائمه هدا می رسند و مسائل دینی و حلال و حرام خود را می پرسند . سعد اسکاف می گوید : به منزل امام باقر (ع) رفتم ... اشخاصی از اتاق امام خارج شدند که مانند ملخهای زرد بودند و پوستین در تن داشتند و از زیادی عبادت لاغر شده بودند ... اما فرمودند : آنها برادران دینی تو و از طایفه جن هستند که به خدمت ما می آیند و مسائل دینی و حلال و حرام خود را از ما می پرسند.

خداوند احضار جن و روح را تحریم کرده و آن را از گناهان کبیره می شمارد ، زیرا انسان را از راه حقیقت دور کرده و به عبادت شیطان وادار می کند و سر انجام او را تباه خواهد ساخت . قرآن راجع به تسخیر جن و شیطان تنها از حضرت سلیمان یاد می کند که در سوره انبیاء آمده : ((برخی شیطانها برای حضرت سلیمان غواصی می کردند و کارهای دیگری جز این انجام میدادند و ما نگهبان آنها بودیم)).

جن مثل انسان دو نوع است ، مومن و کافر که مومنان از جن را شیطان نمی گویند ، ولی به کافران آنها اطلاق شیطان شده است .

برای دور کردن جن و شیطان باید به خدا توسل جست ، جن به محض شنیدن ذکر و ورد فرار می کند . وقتی « بسم الله » گفته شود ، اثر بد جن های کافر خنثی می شود ، ذکر «بسم الله » در دفع و دور کردن شیطان و جن شریر موقر است .

از اما صادق (ع) نقل شده است : کسی که سوره جن را تلاوت کند در زندگی دنیا هرگز آسیبی از جن و انس به او نرسد و مورد سحر کید آنها واقع نشود .

ایه ۵۹ سوره مریم را اگر بنویسند و بشویند و بر جن زده و مصروع بخوراند یا به بازویش ببندند شفا می یابد .
از حضرت علی (ع) منقول است هر که در سفر راه را گم کند ، فریاد کند : «یا صالح اغثنی» یا بقول حضرت باقر (ع) بگوید : « یا صالح ارشد و نا الی الطریق رحمکم الله » یعنی (یا صالح ما را به راه برسان،رحمت خدا بر تو باد . بدرستی که از برادران شما از جنیان شخصی است که صالح نام دارد از برای خدا در شهرها می گردد، چون صدای شما را بشنود جواب گوید و راهنمایی نماید .

راوی حدیث می گوید : ما در سفری راه را گم کردیم و شخصی از ما دور شد و فریاد زد به نحوی که مذکور شد ، سپس برگشت و گفت صدای آهسته شنیدم که راه از جانب راست

سوره الجن

سوره الجن

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱) يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲) وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳) وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (۴) وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵) وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (۶) وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷) وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مِثْلَ حَرِّ سَاءٍ شَدِيدًا وَشُهْبًا (۸) وَأَنَا كُنَّا نَعْبُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (۹) وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ

أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا (١٠) وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا (١١) وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (١٢) وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (١٣) وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشْدًا (١٤) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (١٥) وَاللَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (١٦) لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (١٧) وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (١٨) وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (١٩) قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (٢٠) قُلْ إِنِّي لَا أملكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشْدًا (٢١) قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (٢٢) إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (٢٣) حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَّاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (٢٤) قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (٢٥) عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (٢٦) إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِمَّنْ خَلْفَهُ رَصَدًا (٢٧) لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (٢٨)

خلقت جن / " و الجان خلقناه من قبل من نار السموم ". راغب در باره کلمه "سموم" گفته: باد داغی است که اثر سمی دارد. و اصل کلمه "جن" به معنای پوشاندن است، و همین معنا در همه مشتقات کلمه جریان دارد (١) نظیر جن، چون از نظر پوشیده است، و مجنه و جنه (سپر) چون آدمی را از شمشیر دشمن می پوشاند، و جنین، و جنان - به فتح جیم - (قلب)، چون از نظرها پنهان است و همچنین در این جمله قرآن: "جن علیه الليل" (٢) و مشتقات دیگر آن، این معنا جریان دارد. "جن" طایفه‌ای از موجوداتند که بالطبع از حواس ما پنهانند، و مانند خود ماحسوس و اراده دارند، و در قرآن کریم بسیار اسمشان برده شده، و کارهای عجیب و غریب و حرکات سریع از قبیل کارهایی که در داستانهای سلیمان انجام دادند به ایشان نسبت داده شده، و نیز مانند ما مکلف به تکالیفند، و چون ما زندگی و مرگ و حشر دارند و همه اینها از بسیاری از آیات متفرق قرآنی استفاده می شود.

و اما "جان" و اینکه آیا جان هم همان جن است و یا به گفته ابن عباس (٣) پدر جن است همانطور که آدم پدر بشر می باشد، و همان ابلیس است، و یابه گفته راغب (٥) نسل جنی ابلیس و یا نوع مخصوصی از جن است، اقوال مختلفی است که بیشترش بی دلیل است.

آنچه که تدبر در آیات قرآن کریم به دست می‌دهد این است که در دو آیه مورد بحث "جان" را مقابل "انس" گرفته و آن دو را دو نوع گرفته، و همین دو نوع گرفتن آن دو دلیل و یا حداقل اشاره دارد بر اینکه یک نوع ارتباطی در خلقت آن دو هست، و نظیر دو آیه مورد بحث، آیه "خلق الانسان من صلصال کالفخار و خلق الجن من مارج من نار" (۶) است. سیاق آیات مورد بحث هم خالی از دلالت بر این معنا نیست که ابلیس از جنس جن بوده، و گر نه جمله "و الجن خلقناه من قبل..." لغو می‌شد. در جای دیگر از کلام خود هم فرموده که ابلیس از جن بود، و آن آیه "کان من الجن ففسق عن امر ربه" (۷) است، از این آیه به خوبی بر می‌آید که جان (در آیه مورد بحث) همان جن بوده، و یایک نوعی از انواع آن بوده، در غیر این دو آیه دیگر اسمی از جان برده نشده، و هر جابحتی از موجود مقابل انسان اسمی رفته به عنوان جن بوده، حتی در مواردی که عمومیت کلام، ابلیس و همجنسان او را هم می‌گرفته - مانند آیه "شیاطین الانس و الجن" (۸) و آیه "و حق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن و الانس" (۹) و آیه "سنفرغ لکم ایه الثقلان" (۱۰) و آیه "یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا" (۱۱) - به لفظ جن تعبیر شده است. و ظاهر این آیات با در نظر گرفتن اینکه میان انسان و جان در یکی، و انسان و جن در دیگری مقابله افتاده این است که جن و جان هر دو یکی باشد و تنها تعبیر دو تا است.

و نیز ظاهر مقابله‌ای که میان جمله "و لقد خلقنا الانسان..." و جمله "و خلقنا الجن من قبل..." برقرار شده این است که همانطور که جمله اولی در صد بیان اصل خلقت بشر است، جمله دومی هم در مقام بیان همین معنا باشد. پس نتیجه این می‌شود که خلقت جان در آغاز از آتشی زهرآگین بوده است.

حال آیا نسلهای بعدی جان هم مانند فرد اولشان از نار سموم بوده، بخلاف آدمی که فرد اولش از صلصال و افراد بعدش از نطفه او، و یا جن هم مانند بشر است، از کلام خدای سبحان نمی‌توان استفاده کرد، زیرا کلام خدا از بیان این جهت خالی است. تنها چیزی که در آن بچشم می‌خورد و می‌توان از آن استشمام پاسخی از این سؤال نمود، این است که یک جا برای شیطان ذریه سراغ داده و فرموده: "فتتخذونه و ذریته اولیاء من دونی" (۱۲) و جای دیگر هم نسبت مرگ و میر به آنها داده و فرموده: "قد خلت من قبلهم من الجن و الانس" (۱۳).

و از این دو نشانی می‌توان فهمید که تناسل در میان جن نیز جاری است، زیرا معهود و مالوف از هر جاننداری که ذریه و مرگ و میر دارد، این است که تناسل هم داشته باشد، چیزی که هست این سؤال بدون جواب می‌ماند که آیا تناسل جن هم مانند انس و سایر جانداران با عمل آمیزش انجام می‌یابد و یا به وسیله دیگری؟.

در جمله "خلقناه من قبل" اضافه قطع شده و تقدیر: "من قبل خلق الانسان" بوده، و چون قرینه مقابله دو خلقت در کار بوده از ذکر مضاف الیه صرف نظر شده است.

و اگر در آیه مورد بحث مبدا خلقت جن از نار سموم دانسته شده، با آیه سوره الرحمن که آن را "مارجی از نار" نامیده و فرموده: "و خلق الجن من مارج من نار" منافات ندارد، زیرا مارج از آتش، شعله ایست که همراه دود باشد، پس دو آیه در مجموع مبدا خلقت جن را باد سمومی معرفی می کند که مشتعل گشته و به صورت مارجی از آتش در آمده.

معنای کلمه "بشر" و نکته ای که در التفات از تکلم به غیب در آیه: "و اذا قال ربک هست

پس معنای دو آیه این می شود: سوگند می خوریم که ما خلقت نوع آدمی را از گلی خشکیده که قبلا گلی روان و متغیر و متعفن بود آغاز کردیم، و نوع جن را از بادی بسیار داغ خلق کردیم که از شدت داغی مشتعل گشته و آتش شده بود. پی نوشتها:

(۱) مفردات راغب ماده "سمم". (۲) شب پرده بر او پوشانید. سوره انعام، آیه ۷۶. (۳) تفسیر ابن عباس، ص ۲۱۷ و مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۳۴. (۴) مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۳۴ و تفسیر فخر رازی، ج ۱۹، ص ۱۸۰. (۵) مفردات راغب، ماده "جن". (۶) انسان را از گل خشکیده چون سفال و جن را از آتشی زبانه دار آفرید. سوره الرحمن، آیه ۱۴ و ۱۵. (۷) از جن بود پس از امر پروردگارش سر باز زد. سوره کهف، آیه ۵۰. (۸) سوره انعام آیه ۱۲. (۹) وعده عذاب خدا بر کفار در امتهای گذشته از جن و انس عملی شد. سوره فصلت، آیه ۲۵. (۱۰) به زودی به کار شما می پردازیم ای جن و انس. سوره الرحمن، آیه ۳۱. (۱۱) ای گروه جن و انس اگر می توانید که به اطراف و نواحی زمین و آسمانها نفوذ کنید، بکنید سوره الرحمن، آیه ۳۳. (۱۲) آیا به جای من، شیطان و ذریه او را اولیاء خود می گیرید؟ سوره کهف، آیه ۵۰. (۱۳) قبل از ایشان اقوامی از جن و انس بودند که از بین رفتند. سوره فصلت، آیه ۲۵. ترجمه تفسیر المیزان جلد ۱۲ صفحه ۲۲۳ علامه طباطبایی رضوان الله تعالی

از چند نفر شنیدم که اگر تو ساعت ۱۲ شب (دقیقا ۱۲ شب) بدون گفتن بسم الله آب جوش رو زمین ریخته بشه ، صورت اون کسی که این کارو کنه سرخ میشه و این سرخی تا آخر عمر می مونه ، خیلی درباره این موضوع تحقیق کردم و فکر کنم درست باشه البته من که ریسک نمی کنم ، هر کی این کارو کرد خبرشو بده کی جراتشو داره؟؟؟ مطالبی پیرامون جن / ۱: فضیلت سوره جن: در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است؟ هر کس بسیار سوره جن را بخواند هرگز در دنیا چشم زخم جن و جادو و سحر و مکر آنها به او نمی رسد.

در آخرت با حضرت محمد(ص) و اهل بیت او محشور باشد و به عدد هر جن و شیطانی بنده آزاد کرده و هر جا این سوره خوانده شود اجنه از آنجا فرار کنند و اگر صاحب غمی آن را بخواند اندوه او بر طرف گردد.

۲: آیا ابلیس از سفیهان جن است؟ آیه چهارم سوره جن از زبان مومنان جن می گوید((ما اکنون اعتراف می کنیم که سفیهان ما سخن ناروا و دور از حق درباره خدا می گفتند)). سفیه در اینجا اشاره به ابلیس است که بعد از مخالفت فرمان خدا نسبتهای ناروایی به ساحت مقدس او داد حتی به دستور پرودگار دائر بر سجده بر آدم رسماً اعتراض کرد، و آن را دور از حکمت شمرد و خود را برتر از آدم پنداشت و از آنجا که ابلیس از جن بوده، مومنان جن به این وسیله از او ابراز تنفر می کنند.

۳: آیا طائفه جن، مومن و کافر دارند؟ در تصور بسیاری از مردم واژه جن با نوعی شیطنت و فساد و گمراهی و انحراف همراه است اما قرآن می گوید آنها نیز گروههای مختلفی دارند در نخستین آیه از زبان آنها می گوید:((در میان ما افراد صالح و غیر صالحی وجود دارد و ما گروههای مختلفی و متفاوتی هستیم.)) مومنان جن در ادامه کلام خود می افزایند:((ما هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوریم.))((و انا لما سمعنا الهدی امنا به))

۴: قرآن چه ویژگیهایی را برای جن ذکر می کند؟ جن موجودی است ناپیدا که مشخصات زیادی در قرآن برای او ذکر شده است: موجودی است که از شعله های آتش آفریده شده است. دارای علم و ادراک و تشخیص حق از باطل و قدرت منطقی و استدلال است. دارای تکلیف و مسئولیت است. گروهی از آنها مومن صالح و گروهی کافرند. آنها دارای حشر و نشر و معادند. در میان آنها افرادی یافت می شوند که از قدرت زیادی برخوردارند. آنها قدرت بر انجام بعضی کارهای مورد نیاز انسان را دارند. خلقت آنها در روی زمین قبل از خلقت انسانها بوده است. ۵: دلیل برتری انسان بر جن چیست؟ برخلاف آنچه در افواه مردم عوام مشهور است و آنها را از ما بهتران می دانند انسان برتر از آنهاست به دلیل اینکه: تمام پیامبران الهی از انسانها برگزیده شدند، و آنها به پیامبر اسلام که از نوع بشر بود ایمان آوردند، و از او تبعیت کردند و اصولاً واجب شدن سجده در برابر انسان بر شیطان که از بزرگان طایفه جن بود دلیل بر فضیلت نوع انسان بر جن می باشد.

نظر ملا صدرا درباره جن / صدر المتألهین شیرازی معروف به ملا صدرا می نویسد:((جن را وجودی در این جهان حس و وجودی در جهان غیب و تمثیل((عالم مثال)) است، اما وجودشان در این جهان هیچ جسمی که آن را نوعی از لطافت و اعتدال باشد نیست، جز آن که روحی در خور آن و نفسی که از مبدا فعال بر آن اضافه شده است می باشد آنان بدنمای

لطیفی دارند که در لطافت و نرمی متوسط بوده و پذیرای جدائی و گرد آمدن است، چون جدا گشت، قوامش نازک و حجمش لطیف گشته و از دیگر پنهان می گردد. خداوند جن را در پنج صنف آفریده است / پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) می فرماید: ((خداوند جن را در پنج صنف آفریده است: صنفی مانند باد در هوا و صنفی به صورت مارها، و صنفی به صورت عقربها و صنفی حشرات و زمینی اند و صنفی از آنها مانند انسانند که بر آنها حساب و عقاب است.)) ((و ان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لاتفقهون تسبیحهم)) و هیچ نیست مگر اینکه تسبیح گوی به حمد خداست، و لکن شما تسبیح آنها را نمی بینید. ۶: آیا شیطان همان ابلیس است؟ / شیطان برخلاف آنچه بعضی پنداشته اند اسم خاص برای ابلیس نیست بلکه مفهومی عام دارد و شامل هر موجود متمرّد و طغیانگر و خرابکاری می شود خواه از جن باشد یا از انسانها و غیر آنها. ۷: چه موقع آفرینش جن اتفاق افتاده؟ در کتاب اثبات الوصیه آمده است که جنیان ۷۰۰۰ هزار سال پیش از آدمیان آفریده شده اند. ۸: مسجد الجن کجاست و در آنجا چه اتفاقی افتاده است؟ محل دیدار رسول اکرم (صل الله علیه و آله) با برخی از فرستادگان جنیان که در مکه معظمه در نزدیکی پل حجّون قرار دارد. ۹: دلیل وجود جن چیست؟ ما وجود جن را به عنوان یکی از اصول مسلم قرآنی می پذیریم. اگر چه عده ای منکر وجود آنها هستند و این موجودات نامریی را توهم ضعیف و غیر قابل قبول می پندارند حتی عده ای می گویند در هنگام تبدیل میمون به انسان عده ای در بین میمون و انسان مانده اند که همان جنها هستند و حتی بعضی ها هم گفته اند جنها همان انسانهای جنگلی هستند که بعضی مواقع به شهر می آیند و مردم را می ترسانند!!!!!! اما قرآن جن و شیطان را به عنوان یک واقعیت مطرح کرده و ما نیز باید آنها را به عنوان یکی از واقعیات قرآن بپذیریم. همچنین وجود جن را می شود از دو راه اثبات کرد. یکی نظر علمی زیرا در جهان هستی با این گستره، چیزهای بسیاری وجود دارد که برای ما قابل رویت نیستند مثل الکترونها، امواج الکتروسیته نورهای ماوراء بنفش و مانند آنها، اما علم و دانش توانسته است وجود آنها را اثبات نماید. پس صرفه اینکه با حواس خود قادر نیستیم آنان را درک و حس کنیم دلیل نبودن آنها نیست. دلیل دوم: از نظر تجربی هم بسیارند کسانی که جنیان را دیده اند و حتی با آنها سخن گفته اند. ۱۰: آفریدگان عاقل خدا؟ آفریدگان عاقل سه دسته اند: ۱- آدمی که از خاک درست شده است. ۲- فرشته از نور. ۳- جن از آتش. ۱۱: آیا جنها هم مانند انسانها زن و مرد دارند؟ گروه جن دارای مذکر و مونث هستند مانند انسانها تولید مثل می کنند و دارای فرزند می باشند. ۱۲: جنیان نیز مانند انسانها دارای اختیار می باشند؟ چون بعثت پیامبران و اولیای الهی بر همه جن و انس می باشد پس جنیان نیز مانند انسانها دارای اختیار می باشند و با میل خود، همراه با استدلال عقلی می توانند دین انبیاء الهی را

قبول، یا رد کنند عده ای که به پیامبران الهی ایمان آورند و اعمال نیک انجام دهند مانند انسانها پاداش می گیرند. و آنان که از فرامین سرپیچی نمایند به عذاب سخت الهی دچار خواهند شد چرا که خداوند می فرماید ((و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون)) (ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای آنکه (خدا را) پرستش نمایند).

۱۳: پناهنده شدن مردم به جن: علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان درباره پناهنده شدن مردم به جن چنین می فرماید: مراد از پناه بردن انس به جن بطوریکه گفته اند این است که در عرب رسم بوده وقتی در مسافرت در شب، به بیابانی برمیخوردند از شر جانوران و سفهیان جنی به عزیز آن بیابان که سرپرست جنیان است پناه می بردند و می گفتند: من پناه می برم به عزیز این وادی، از شر سفهاء قومش. ۱۴: جن و خرافات: مردم نا آگاه خرافات زیادی درباره این موجود ساخته اند به همین جهت وقتی کلمه جن گفته می شود مثلا در زمانهای قدیم در اتاق زنی که تازه وضع حمل کرده بود آهن یا آهنربایی قرار می دادند. یا با کودکان خود قطعه ای از شیء فلزی که اغلب سنجاق قفلی بود همراه می کردند و معتقد بودند این اشیا فلزی آنها را از اذیت و آزار جن حفظ می کند. اما امروزه با بالا رفتن فرهنگ

مردم، خرافات نیز به حداقل رسیده است. ۱۵: وادی الجن چه جایی است؟ سرزمینی است بین مکه و طائف که گروهی از جنیان به محضر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ایمان آوردند. قابل توجه کسانی که سنی نبودن جن را قبول ندارند. ۱۶: آیا جن سنی وجود دارد؟ خیر، علامه طباطبائی فرموده است که: استاد ما مرحوم آقا سید علی قاضی حکایت کرد که کسی از جنی پرسیده است طایفه جن مانند انس دارای مذاهب گوناگون اند جز اینکه سنی ندارند برای اینکه در میان ما کسانی هستند که در واقعه غدیر خم حضور داشتند و شاهد ماجرا بوده اند. و صد البته این است که رئیس کل جنیان یعنی سعفر بن زعفر بر روی سینه اش گردن بندی دارد که بر رویش نوشته شده (یا ابا عبدالله الحسین) یا (السلام علیک یا ابا عبدالله) ۱۷: آیا زندگی در هوا و زمین برای جن ممکن است؟ ابن خرم در کتاب الفصل مینویسد: طایفه جن امتی هستند دارای عقل، فکر و قدرت تمیز که به ایشان از طرف خدا وعده و وعید نازل شده و آنها نیز پذیرفته اند. آمیزش می کنند اولادی از آنها بوجود می آید و مرگ نیز آنها را در بر می گیرد و چون جسمشان زود فنا می شود احتیاج به قبرستان ندارند و تمامی مسلمانان نیز بر این امر توافق و اجماع دارند جنیان دارای اجسام لطیف، شفاف و هوائی هستند یعنی زندگی در هوا و زمین برای آنها امکان دارد زیرا عنصر آنها از آتش است. همچنانکه عنصر انسانها از خاک است. ۱۸: آیا جنیان غذا هم می خورند و اگر می خورند چه نوع غذایی می خورند؟

طبق روایات جنیان غذا هم می خورند و غذای آنان بازمانده غذای انسان و مغز استخوان غذای جن را تشکیل می دهد چنان که ((ابن بابویه)) نیز نقل شده که: گروهی از طایفه جن به خدمت پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شدند و عرض کردند: یا رسول الله چیزی برای خوردن به ما عطا کن. حضرت استخوان و بازمانده غذا به آنها عطا کرد.

۱۹: فلسفه خلقت جن چیست؟ ((و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون)) ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای آنکه (خدا را) پرستش نمایند پس همانطور که از این آیه بر می آید فلسفه خلقت جن برای عبادت و پرستش خداوند می

باشد. ۲۰: آیا عده ای از جنیان در خدمت حضرت سلیمان (ع) بودند؟ یکی از نعمتهای خداوند متعال به حضرت سلیمان این بود که علاوه بر بسیاری از آدمیان، جن و شیطان و حتی پرندهگان و وحوش در اختیار و تسخیر او قرار داشتند و زبان همه آنها را می فهمید و به راحتی با آنان صحبت می نمود و قرآن کریم نیز به این مساله اشاره دارد. ۲۱: جن و شیطان میکروب نیستند!!! در پاره ای از روایات می خوانیم که امیر المومنین (ع) فرمود: از قسمت شکسته ظرف و دستگیره آن آب نخورید زیرا که شیطان روی دستگیره و قسمت شکسته ظرف می نشیند. این روایت و روایاتی دیگر سبب شده که عده ای جن و شیطان را نوعی میکروب بنامند اما این نظریه کاملاً غلط و نادرست می باشد. و تصریح قرآن به جن به عنوان موجودی مختار و دارای که در ثواب و عقاب و داخل شدن در بهشت و جهنم با انسان مساوی هستند به خوبی نشان می دهد که جن و شیطان هیچ ارتباط منطقی و عقلی با میکروب ندارند. در مورد حدیث بالا می توان گفت که چون در زمان آن حضرت هنوز علوم پیشرفتی نکرده بود و مردم با معنی و مفهوم میکروب آشنا نبودند حضرت برای اینکه متوجه وجود امراض در قسمت های شکسته و دستگیره ظرف شوند از لفظ شیطان استفاده کرده اند. ۲۲: آیا جن و شیطان می خوابند؟ تنها ذات اقدس احدیت است که نمی خوابد و همه مخلوقات از خواب ناگریزند حتی فرشتگان. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز می فرمایند: خواب بر چهار گونه است:

پیامبران به پشت می خوابند. مومنین به دست راست می خوابند. کافران و منافقین به طرف دست چپ می خوابند. و شیاطین به رو می خوابند. این حدیث اشاره به چگونگی خواب شیاطین، که از جن می باشند دارد و انسان را از این گونه خوابیدن بر حذر می دارد. ۲۳: آیا طایفه جن بهشت و جهنم دارند؟ در تفسیر فخر رازی در پاسخ به این سوال که شیطان و بدان از جن از آتش خلق شدند پس چگونه هیزم آتش بر آنها اثر می کند بر آمده است: درست است که از آتش خلق شدند ولی تغییر کیفیت داده و گوشت و خون می شوند و ابن عربی هم در این باره می گوید: عذاب شیاطین جنی و اکثراً به زمهریز یعنی سرمای شدید است و نیز روایت است که از امام (علیه السلام) پرسیدند: آیا مومنین از جن

به بهشت داخل می شوند؟ فرمود: نه ولی برای خداوند باغهایی بین بهشت و جهنم است که ایشان و فساق شیعه در آنجا خواهند بود. ۲۴: جن زدگی چیست؟ جن زدگی یعنی بیماری روانی و جنون که در اثر مس شیطان اتفاق می افتد. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان درباره این امر تصریح دارند که: هرچند همه دیوانگان بر اثر مس شیطان دیوانده نشده اند؛ اما بعضی از جنون ها در اثر مس شیطان رخ می دهد. ((انشالله در آینده حتما در این مورد توضیحات بیشتری خواهم داد.)) ۲۵: تسخیر جن توسط حضرت سلیمان (ع): در قرآن کریم راجع به تسخیر جن و شیطان، تنها درباره حضرت سلیمان آمده است که از نعمت هایی که خداوند به آن حضرت عطا کرد علاوه بر بسیاری از بنی آدم، جن نیز در اختیار ایشان بودند، چنانکه در قرآن نیز می خوانیم: ((و من الجن من يعمل بین یدیه باذن)) (سوره سبا آیه ۱۲)

۲۶: جن گیری چیست؟

برخی از انسانها ممکن است که مورد هجوم شیطان و یک جن شریر قرار گیرند و به اصطلاح مجنون و جن زده بشوند در چنین شرایطی از قدیم یک سری آداب و رسوم به عنوان جن گیری انجام می شود و مبتلایان، با انجام آداب و شیوه هایی که شخص جن گیر از اجداد و نیاکان خود به ارث برده درمان می شوند و شیطان و جن شریر از کالبد آنها خارج می شود. (ذکر این نکته ضروری است که عکسهایی از این مراسم در بخش آرشیو موجود است.)

البته امروزه سیر تکاملی علم، نظر دانشمندان را مخصوصا در قاره آمریکا و اروپا بوجود موجودات نامرئی و عالم ماوراءالطبیعه منتقل نموده است و لذا شبهه اینکه ((آیا در روی زمین چنین موجودی وجود دارد یا خیر؟)) را از مرحله محال بودن به مرحله امکان تنزل داده: حتی کتابهایی راجع به ((احضار ارواح)) تالیف و تا اندازه ای هم پیشرفت نموده اند. البته ناگفته نماند که آنها از ((جن)) به ((ارواح شریر)) تعبیر می نمایند اما آنچه را به وسیله میزگرد و غیره بعنوان ارواح بشر و ارواح شریر احضار می نمایند، چیزی جز همان جن نیست زیرا آنها هیچگونه تسلطی بر روح انسان ندارند تا بتوانند احضارش کنند. ۲۷: آیا شباهتی بین انسان و جن وجود دارد؟ در بلوچستان جن ها را شبیه انسان ولی با کالبدی کوتاهتر و پوشیده از موهای زرد ظریف می دانند که شیار چشمان آن ها عمودی و پاهای آنان مثل چهار پایان سم دارد. (البته آن طور که من دقت کردم فکر می کنم بیشتر پاهایشان شبیه سم شتر باشد) این موجودات بسیار شبیه انسانها هستند که در همه جا وجود دارند ولی در دل شبها فعالیت آنها بیشتر شده و طبق شنیده ها مجالس عروسی یا بزم خود را در حمام ها، سرداب ها، مخروبه ها، گورستان ها، زیرزمین ها، آب انبارها و غیره برپا می کنند. و شبها در خانه

هایی به بازی و گشت مشغول هستند و چه بسا بارها از روی رختخواب انسانهای به خواب رفته هم عبور می کنند ریختن نجاسات یا آب داغ به زمین و یا لگد مال کردن بچه جن ها ممکن است والدین آنها را مجبور به انتقام جویی کند. مطالبی پیرامون جن / باورهای اسلامی در مورد جن / جن چنانکه از مفهوم لغوی این کلمه به دست می آید موجودی است ناپیدا که مشخصات زیادی در قرآن برای او ذکر شده، از جمله اینکه :

۱ - موجودی است که از شعله آتش آفریده شده، بر خلاف انسان که از خاک آفریده شده است. [۲]

۲ - دارای علم و ادراک و تشخیص حق از باطل و قدرت منطق و استدلال است. [۳]

۳ - دارای تکلیف و مسؤولیت است. [۴]

۴ - گروهی از آنها مؤمن صالح و گروهی کافرند. [۵]

۵ - آنها دارای حشر و نشر و معادند. [۶]

۶ - خلقت آنها در روی زمین پیش از خلقت انسانها بوده است. [۷]

۷ - آنها با بعضی انسانها ارتباط برقرار می کردند و با آگاهی محدودی که نسبت به بعضی از اسرار نهانی داشتند به

اغوای انسانها می پرداختند. [۸]

۸ - آنها همچون انسانها نر و ماده دارند. [۹]

۹ - آنها همچون انسانها می میرند. [۱۰]

واژه جن ۲۲ بار در قرآن به کار رفته است، و سوره‌ای به این نام وجود دارد.

باورها خرافی و اساطیری پیرامون اجنه

آنچه در بالا گفته شد، مطالبی بود که مسلمانان - با توجه به قرآن - درباره ی این موجود ناپیدا معتقدند؛ که خالی از هر

گونه خرافه و مسائل غیر علمی است. ولی مردم عوام خرافات زیادی درباره این موجود ساخته‌اند که با عقل و منطق

جور نمی آید، و به همین جهت یک چهره خرافی و غیر منطقی به این موجود داده که وقتی کلمه جن گفته می شود

مشتی خرافات نیز با آن تداعی می شود؛ از جمله اینکه آنها را با اشکال غریب و عجیب و وحشتناک، و موجوداتی دم

دار و سم دارا، مودی و پر آزار، کینه توز و بد رفتار که ممکن است از ریختن یک ظرف آب داغ در یک نقطه خالی،

خانه هائی را به آتش کشند! و موهومات دیگری از این قبیل . به نظر می رسد که این خرافات و افسانه ها در طول

زمان از موجودات افسانه ای فرهنگ ایران (مانند غول و دیو و پری) به جن منتقل شده است. [۱۱]

بر پایه تفکر عوام پادشاه مسلمان جن‌ها زعفر جنی نام دارد. [۱۲]

اسطوره زدایی و افسانه پیرایی

هرچند بسیاری از مردم جهان به جن اعتقاد ندارند، مسلمانان - بر اساس منابع خویش - به وجود این موجودات ناپیدا باورمند اند.

مسلمانان معتقدند اگر جن از این خرافات - که در بالا ذکر شد - پیراسته شود، اصل وجودش کاملاً قابل قبول است، چرا که هیچ دلیلی بر انحصار موجودات زنده به آنچه ما می‌بینیم، نداریم؛ بلکه علما و دانشمندان علوم طبیعی می‌گویند: موجوداتی را که انسان با حواس خود می‌تواند درک کند، در برابر موجوداتی که با حواس قابل درک نیستند ناچیز اند. تا این اواخر که موجودات زنده ذره بینی کشف نشده بود، کسی باور نمی‌کرد که در یک قطره آب، یا یک قطره خون هزاران هزار موجود زنده باشد که انسان قدرت دید آنها را نداشته باشد.

و نیز دانشمندان می‌گویند: چشم ما رنگهای محدودی را می‌بیند و گوش ما امواج صوتی محدودی را می‌شنود، رنگها و صداهایی که با چشم و گوش ما قابل درک نیست بسیار بیش از آن است که قابل درک است.

وقتی وضع جهان، چنین باشد جای تعجب نیست که انواع موجودات زنده ای در این عالم وجود داشته باشند که ما نتوانیم با حواس خود آنها را درک کنیم.

مسلمانان معتقدند از آنجا که از یک سو قرآن، خبر از وجود جن - با ویژگیهایی که در بالا ذکر شد - داده است، و از سوی دیگر هیچ دلیل عقلی بر نفی آن وجود ندارد، وجود آن پذیرفتنی است.

دیگر باورهای افسانه‌ای پیرامون اجنه

برخی از مردمان اعصار پیشین جن را شریک خداوند قرار می‌داده اند و می‌پرستیده اند. [۱۳]

در قدیم صحبت از جن و پری و دیو و پاها و شاخ‌های گاو مانند آنها ورد زبانها نقل مجالس شبنشینی در پای کرسی‌ها به ویژه در شب‌های زمستان بود. این داستان‌ها در ایران ادبیات قوی دارد حتی در تخت جمشید جدال شاه با دیو را در چندین سنگ تراشیده می‌بینید.

بنا بر باورها و خرافاتی که در قدیم وجود داشته است، درباره جن این گونه آمده است:

قابلیت تغییر چهره و قیافه دارند و از این کار لذت می‌برند.

این مخلوقات آینده را تا حدودی می‌بینند و بعضی مواقع که متوجه خطری برای فرد می‌شوند با دست گذاشتن بر گلوی فرد او را به سرفه می‌اندازند که در باور ایرانیها همان "صبر" آمده‌است تعبیر می‌شود. علاقه بسیار زیادی به درخت نارنج دارند.

جن‌ها تنها در شب، تاریکی، تنهایی و در محل‌هایی مانند گرمابه، آب‌انبار، پستو و ویرانه و بیابان وجود دارند. جن به شکل انسان است با این تفاوت که پاهایش مانند بز سم دارد. مژه‌های دراز او نیز با مژه انسان متفاوت است و رنگ موی او بور است.

اگر کسی شب هنگام آب جوش روی زمین بریزد، ممکن است یکی از فرزندان اجنه را اذیت کرده باشد. مادر و پدر آن جن برای انتقام، خواهند آمد.

به زبان آوردن نام جن شگون ندارد و ممکن است آن‌ها را حاضر کند. بنابراین برای دلخوشی جن‌ها هم شده به آن‌ها "از ما بهتران" گفته می‌شود.

روزهای یکشنبه، سه شنبه و چهارشنبه از مابهران به لباس و صورت آدمیزاد درمی‌آیند. در این روزها نباید به دیدن مریض رفت، زیرا چه بسا که از ما بهتران به شکل یکی از دوستان یا بستگان به دیدن بیمار برود و به او آسیب برساند. با دمیدن صبح صادق، جنیان ناپدید می‌شوند.

از اعتقادهای قدیمی ایرانیان این است که «آهن» دیو و غول و جن را دفع می‌کند. جنیان از امام اول شیعیان وحشت بسیار دارند.